



ترجمه و تعريب (۵۷ تست)



۱. ترجمه تک عبارتی

۱۳۹۸. «إِنَّ الإِمَامَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (ع) يَفْتَخِرُ بِأَخِيهِ أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ، لِأَنَّهُ قَتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَكِلَاهُمَا أَسْوَةٌ لِّجَمِيعِ الْعَالَمِينَ!» (زبان ۹۴)

- ۱) همانا امام ابو عبدالله الحسین (ع) برادر خود ابی الفضل عباس را افتخار خویش می دانست، چه هر دو در راه خداوند جنگیدند و هر دو الگویی برای جهانیان شدند!
- ۲) قطعاً امام اباعبدالله الحسین (ع) برادر خویش ابی الفضل العباس را مایه فخر می دانست، از آن جا که در راه الله جنگید، و هر دو برای جهانیان الگو هستند!
- ۳) امام ابو عبدالله الحسین (ع) به برادر خویش ابی الفضل عباس مباحات می کرد، و مقتول شدن او را در راه الله می دانست و هر دو الگوی عالمیان بوده اند!
- ۴) امام اباعبدالله الحسین (ع) به برادر خود ابوالفضل العباس افتخار می کند، زیرا در راه الله به قتل رسید و هر دو الگویی برای همه عالمیان می باشند!

۱۳۹۹. «كَلَّمَا أَنْظَرَ إِلَى النِّعَمِ الَّتِي تُوفَّرُ لِي فِي الْحَيَاةِ، أَشْكُرُّ رَبِّي الْحَنُونَ!» (السانی ۸۹)

- ۱) هر دفعه به نعمتی که در زندگی ام فراهم گردیده است نگاه کرده ام، از پروردگار مهربان خود تشکر نموده ام!
- ۲) هر زمان به نعمت هایی که در زندگی ام مهیا کرده ام نگاه افکنده ام، از خدای مهربان سپاسگزاری کرده ام!
- ۳) هر بار به نعمتی که برای من در زندگی مهیا می کنند نگاه می کنم، خدای محبوبم را شکر می کنم!
- ۴) هر بار به نعمت هایی که در زندگی برایم فراهم می شود می نگرم، پروردگار مهربانم را شکر می کنم!

۱۴۰۰. «قَرَّرْتُ مَعَ أَخِي الصَّغِيرِ أَنْ نَذْهَبَ غَدًا رَأْسَ السَّاعَةِ الْعَاشِرَةِ وَالنِّصْفِ لِمَشَاهِدَةِ أَثَارِ الْمَتْحَفِ التَّارِيخِيَّةِ!» (خارج از کشور ۹۹)

- ۱) با برادر کوچکم قرار گذاشتم فردا رأس ساعت ده و نیم به مشاهده آثار تاریخی موزه برویم!
- ۲) با برادر کوچکترم قرار گذاشتیم رأس ساعت ده و نیم فردا به دیدن آثار موزه های تاریخی برویم!
- ۳) من و برادر کوچکترم قرار گذاشته ایم فردا سر ساعت ده و نیم برای مشاهده آثار تاریخی به موزه برویم!
- ۴) من با برادر کوچکم قرار گذاشتم سر ساعت ده و نیم صبح فردا برای دیدن آثار تاریخی در موزه ها برویم!

۱۴۰۱. «إِنَّهَا مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ، تَغْذِيئُهَا صَعِبَةٌ عَلَى الْهَوَاةِ لِأَنَّهَا تُحِبُّ أَنْ تَأْكُلَ صَيْدَهَا حَيًّا!» (ریاضی ۹۸)

- ۱) آن از ماهی های عجیبی است که تغذیه اش برای علاقمندان سخت است برای این که دوست دارد شکار زنده بخورد!
- ۲) او از شگفت ترین ماهیانی است که برای علاقمندان، غذا دادنش سخت است زیرا او خوردن زنده شکار را دوست دارد!
- ۳) او از ماهیان شگفت آوری است که برای علاقمندان، تغذیه اش سخت دشوار است زیرا زنده خوردن صید را دوست دارد!
- ۴) آن از عجیب ترین ماهی هاست، غذا دادن به او برای علاقمندان دشوار است زیرا دوست دارد که صید خود را زنده بخورد!

۱۴۰۲. «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ!» (تجربین ۹۸)

- ۱) به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت کن، و با آنان با آنچه نیکوتر است مجادله کن!
- ۲) به راه خدای خود به وسیله دانش و پند نیکو فراخوان، و با آنان به وسیله سخنان خوب و زیبا مقابله کن!
- ۳) دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه پسندیده باشد، و با آنان با هر چه نیکوتر است مجادله کن!
- ۴) فراخواندن به راه خدای خود را از طریق پند و اندرز، زیبا انجام بده، و با آنان با شیوه ای بهتر مقابله کن!

۱۴۰۳. «مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ ضَمِيرِهِ وَاعِظٌ، فَلَنْ يَكُونَ لَهُ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ حَافِظٌ!» (زبان ۹۳)

- ۱) هر کسی که از درون خویش او را هشدار نمی دهند، در نزد خداوند حافظی نخواهد داشت!
- ۲) کسی که واعظی او را از درون هشدار ندهد، نگهبانی هم از سوی خدا او را حفظ نخواهد کرد!
- ۳) اگر کسی از درون خود وعظ کننده ای نداشته باشد از نزد خدا حفظ کننده ای او را حفظ نخواهد کرد!
- ۴) هر کس از درون خویش پند دهنده ای نداشته باشد، از جانب خداوند نگهدارنده ای نخواهد داشت!

۱۴۰۴. «هُوَ أَقْرَبُ شَخْصٍ لِي وَإِنْ كَانَ بَعِيدًا مَتَى مَسَافَاتٍ!» (خارج از کشور ۹۹)

- ۱) او شخص نزدیکی به من است هر چند که مسافت هایی از من دور شده است!
- ۲) او اگرچه مسافت ها از من دور شده است ولی شخص نزدیک تر به من اوست!
- ۳) نزدیک ترین فرد به من کسی است که از من مسافت هایی دور شده باشد!
- ۴) او نزدیک ترین فرد به من است اگرچه از من مسافت ها دور باشد!

فهرست

سال دهم

سؤال

۷

الذّرسُ الأوّل: مرور قواعد پایه



۲۵

الذّرسُ الثّانی: اعداد



۳۸

الذّرسُ الثّالث: اشکال فعل، ثلاثی مجرّد و مزید (۱)



۵۳

الذّرسُ الرّابع: اشکال فعل، ثلاثی مجرّد و مزید (۲)



۶۱

الذّرسُ الخامس: جملهُ فعلیه و اسمیّه و نون وقایه



۸۲

الذّرسُ السّادس: معلوم و مجهول



۹۷

الذّرسُ السّابع: جار و مجرور



۱۰۹

الذّرسُ الثّامن: اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه



سال یازدهم

۱۲۳

الذّرسُ الأوّل: اسم تفضیل و اسم مکان



۱۳۷

الذّرسُ الثّانی: جملهُ شرطی



۱۵۱

الذّرسُ الثّالث: معرفه و نکره



۱۶۳

الذّرسُ الرّابع: جملهُ وصفیه (جمله بعد از نکره)



۱۷۶

الذّرسُ الخامس: ترجمه فعل مضارع (۱)



۱۹۲

الذّرسُ السّادس: ترجمه فعل مضارع (۲)



۱۹۹

الذّرسُ السّابع: معانی افعال ناقصه



سال دوازدهم

۲۱۱

الذّرسُ الأوّل: حروف مشبّهة بالفعل و لای نفی جنس



۲۲۷

الذّرسُ الثّانی: حال



۲۴۳

الذّرسُ الثّالث: أسلوب استثناء



۲۵۹

الذّرسُ الرّابع: مفعول مطلق



بخش ویژه

۲۷۳

• تجزیه و ترکیب

۲۹۱

• قرائت کلمه (ضبط حرکات)

۲۹۸

• درک مطلب

۳۲۱

کنکورهای ۱۴۰۰

۳۳۳

پاسخنامه تشریحی

۴۶۰

پاسخنامه کلیدی

۱۵۷۵. **گزینه ۴** «من تعلّم» هرکس فرا بگیرد (رد سایر گزینه‌ها)، «لغة قوم: زبان قومی را» (رد ۲)، «جیداً: خوب، به خوبی»، «أمن شرّهم: از گزند آن‌ها در امان است» (رد ۳)، «الإنسان بتعلّم کلّ لسان: انسان با فرا گرفتن هر زبانی» (رد ۱ و ۲)، «إنسانٌ جدید: یک انسان جدید است»
۱۵۷۶. **گزینه ۲** «إن» چون قبل از اسم آمده؛ پس ادات شرط نیست (رد ۳)، «ستّصبح: خواهد شد» آینده است (رد ۱ و ۴)، «الإنسان الذی: انسانی که» (رد ۳ و ۴)، «می‌دهد: می‌دهد (هر چه) می‌دهد (رد ۲ و ۳)، «یعطی: می‌دهد» معلوم است نه مجهول (رد ۴).
۱۵۷۸. **گزینه ۳** «لایدلّ: دلالت نمی‌کند» فعل مضارع است نه اسم (رد ۱ و ۴)، «إنما: فقط، تنها» (رد ۲).
۱۵۷۹. **گزینه ۴** «قبل أن یعزم» در گزینه (۱) ترجمه نشده است، «من: هرکس» (رد ۲ و ۳)، «قد انتفع: سود برده است» ماضی نقلی است (رد ۲ و ۳)، «العقلاء: دانایان» معرفه است نه نکره (رد ۲).
۱۵۸۰. **گزینه ۴** «من: هرکس، هر که» شرط است (رد ۱ و ۳)، «صدیقه الحمیم: دوست صمیمی اش»، «مستشاره الحکیم: مشاور خردمند خویش» ترکیب وصفی و اضافی هستند، (رد ۱ و ۲) «فلیجعل: باید قرار دهد»، «قرار می‌دهد» اشتباه است (رد ۱ و ۳)، کسره در انتهای فعل مضارع به ما می‌گوید که حرکت ساکن داشته‌ایم.
۱۵۸۱. **گزینه ۲** «من: هرکس» شرط است (رد ۱ و ۳)، «مستقبله: آینده‌اش» همراه ضمیر است (رد ۱)، در گزینه (۴) «حال آن که» معادل «الذی: که» نیست.
۱۵۸۲. **گزینه ۳** «إن: اگر، چنانچه» (رد ۲)، «تُرَد: بخواهی» فعل مضارع است (رد ۱ و ۲)، «قلوب السّباب: دل‌های جوانان» (رد سایر گزینه‌ها)، همچنین «پیش‌خود» نیز نادرست است (رد ۴).
۱۵۸۳. **گزینه ۱** «إن: اگر» معنای قیدهای زمان نمی‌دهد (رد ۲ و ۴)، «لا تعلّم» مضارع است (رد ۳)، «سمعت: شنیدی» (رد ۳ و ۴).
۱۵۸۴. **گزینه ۱** «کان... بهمس: آهسته سخن می‌گفت» (رد ۲ و ۴)، در گزینه (۳) «من الصف: ترجمه نشده. کاذب: نزدیک بود (رد ۲ و ۴).
۱۵۸۵. **گزینه ۲** در گزینه (۱) «بها» ترجمه نشده «من (شرط): هرکس، هر که» (رد ۳)، «یخصل» معلوم است ولی مجهول ترجمه شده (رد ۴).
۱۵۸۶. **گزینه ۴** «یتکلم» فعل شرط است و باید مضارع التزامی ترجمه شود (رد ۱ و ۲)، «حینما: زمانی که» (رد ۱)، «لا تهمس» آهسته حرف مزین» (رد ۲)، «به خاطر تو» در گزینه (۳) اضافی است. «عملاً» در گزینه (۱) ترجمه نشده.
۱۵۸۷. **گزینه ۱** «عددٌ کثیرٌ من العلماء: تعداد زیادی از علما» (رد ۲ و ۳)، «التربیة و التعليم» صفت نیست (رد ۳)، در گزینه (۴) «بسیار» اضافه است. همچنین «کتباً» باید در این گزینه نکره و جمع ترجمه می‌شود.

نسوزی: «مجالالت الثریبة و التعليم: زمینه‌های آموزش و پرورش» توجه کنیم که در زبان عربی برخلاف زبان فارسی، واژه «تربیة» پیش از تعلیم می‌آید.

مثال: «دائرة التریبة و التعليم: اداره آموزش و پرورش»

۱۵۸۸. **گزینه ۲** «یتعد» فعل لازم است نه متعدی (دور شد، دوری کرد)، ولی در سایر گزینه‌ها به صورت متعدی (دور کردی، دور می‌کنی) ترجمه شده.
۱۵۸۹. **گزینه ۳** «الناس» مفعول است نه فاعل (رد ۱)، «رأیت» فعل شرط است و مضارع التزامی ترجمه می‌شود (رد ۲ و ۴)، «دین الله: دین خدا» ترکیب اضافی است نه وصفی (رد ۲ و ۴).
۱۵۹۰. **گزینه ۱** «من: شرطی است (هر کس)» (رد ۲ و ۴)، «شرّ الحسد: شرّ حسد، حسادت» (رد ۳ و ۴)، «یُنقذ» فعل معلوم است ولی در گزینه (۲) به صورت مجهول ترجمه شده است. «التصائح الأخلاقیة» در گزینه (۳) نکره ترجمه شده و «منه» ترجمه نشده است. در گزینه (۴) «یتخلّص» به صورت متعدی معنا شده و نیز «حسودها» غلط است.
۱۵۹۱. **گزینه ۳** «ینتفع» و «ینفع» مضارع هستند نه ماضی (رد ۱)، «مدیرة شرکتنا الکبیرة: مدیر شرکت بزرگ ما» (رد ۲ و ۴).
۱۵۹۲. **گزینه ۳** «نوعٌ: نوعی» در گزینه (۱) ترجمه نشده است. «من هو اکبر منک: کسی که از تو بزرگ‌تر است» (رد ۲)، «علیک: تو باید، بر تو است» (رد ۴).

۱۵۶۰. **گزینه ۴** «أحسن» اسم تفضیل است. «بهترین مردان نزد خداوند کسی است که نماز را ترک نمی‌کند»، «اکرم» (گرامی داشتند... هفته گذشته) و «اکثر» (زیاده‌روی کردند)، «الطلاب» فاعل است و مرفوع (آمده) در گزینه‌های (۱) و (۲) فعل هستند و در گزینه (۳) هم «خیر» به همراه مرفوع آمده (خوبی پروردگار ما).
۱۵۶۱. **گزینه ۳** «أقل» فعل ماضی از باب «افعال» است (مرد در کار کوتاهی کرد)، ولی در سایر گزینه‌ها «أخلص»، «شرّ»، «اکرم» و «أعلم» همگی اسم تفضیل هستند.
۱۵۶۲. **گزینه ۴** «المجالس: هم‌نشین» اسم فاعل و مذكر است. «از الحسن» که صفت و مذكر است می‌توان فهمید بررسی سایر گزینه‌ها ۱ «المشاهد: جمع «مشهد» به معنی صحنه است. (از مؤنث بودن کلمات «التي» و «مخوفة» می‌فهمیم که جمع غیر عاقل است). ۲ دوستم خارج‌کننده کتاب از آنجا بود. (مخرج: اسم فاعل) ۳ «ملابس: جمع «ملبس» به معنای لباس»، معنای مکان ندارد (المعامل: المعمل کارگاه‌ها).
۱۵۶۳. **گزینه ۴** بررسی گزینه‌ها ۱ بدی مردم معمولاً به خودشان می‌رسد، «شرّ» مصدر است. ۲ «المناطق: جمع «مِنْطَقَة» است و اسم مکان نیست. ۳ «أماکن: جمع «مکان» اسم مکان و «آخر» (پایان) اسم فاعل و اسم تفضیل نیستند. ۴ بدی این شهر شلوغی است. «شرّ» مصدر و به معنای «بدی» است.
۱۵۶۴. **گزینه ۱** در گزینه (۱) «خیرأبی: خوبی پدرم»، «خیر» مصدر است. «أنفس: گران‌بهارترین» اسم تفضیل است. در گزینه (۲) «صغری» (کودکی ام) و در گزینه (۳) «کبری» (میان‌سالی ام) است؛ زیرا بعدشان ضمیر مذكر (آمده نه مؤنث (ها))، در گزینه (۴) هم «فُضلی» (برتری من) اسم تفضیل نیستند، چون بعدش صفت به صورت مذكر آمده نه مؤنث.
۱۵۶۵. **گزینه ۳** «خُدّام» جمع «خادم» است. بررسی سایر گزینه‌ها ۱ «المحافظ» اسم مکان و جمع «مَحْفَظَة» است، چون «التي» بیانگر جمع غیر عاقل بودن آن است، ولی «المحافظ» مذكر است. ۲ اسم مبالغه است. (زوّار) چون ضمیر «ه» برای آن مفرد آمده. (زوّار: جمع است). ۴ «المقاتل: جمع «المقتل» و «اسم مکان» است، چون فعل «تحکی» مفرد مؤنث آمده پس کلمه مورد نظر جمع غیر انسان است. («المقاتل» است نه «المقاتل»).

درس دوم

پایه یازدهم

۱۵۶۶. **گزینه ۴** در سایر گزینه‌ها «من» شرطیه نباید به صورت «کسی که، کسانی که، آن کسی که، اگر و...» ترجمه شود، همچنین «امور» جمع است (رد ۱ و ۳).
۱۵۶۷. **گزینه ۴** اگر فعل شرط ماضی باشد یا به صورت ماضی ساده ترجمه می‌شود یا مضارع التزامی (رد ۲ و ۳)، کلمه «قلب» در سایر گزینه‌ها ترجمه نشده است. ضمناً «ظواهر» جمع است ولی در گزینه‌های (۱) و (۲) به صورت مفرد ترجمه شده است. دقت کنید که «من» در این عبارت از نوع شرط است، لذا بهتر بود به صورت «هر کس» ترجمه شود.
۱۵۶۸. **گزینه ۱** «إن: اگر» (رد ۲ و ۴)، «تقصد» مضارع است (رد سایر گزینه‌ها)، «التفایات: زبانه‌ها» معرفه است (رد ۴)، «إِغْلَمَ: بدان» (رد ۳ و ۴)، در گزینه (۲)، «این» اضافی است.
۱۵۶۹. **گزینه ۳** «سوف یتنبّه: آگاه خواهد شد» (رد ۱ و ۴)، «زمیلک المشاغب: هم‌کلاسی اخلاک‌گرت»
۱۵۷۰. **گزینه ۲** «خلق الله: آفرینش خدا» ترکیب اضافی است نه وصفی همچنین مفرد است نه جمع (رد ۱ و ۳)، «إذ: اگر، هرگاه» (رد ۳)، «ستّشاهد: خواهی دید» آینده است (رد ۳ و ۴).
۱۵۷۱. **گزینه ۳** «إن: اگر، چنانچه» (رد ۲ و ۴)، «للناس: برای مردم» (رد سایر گزینه‌ها)، «أن تنصح: که نصیحت کنی» (رد سایر گزینه‌ها).
۱۵۷۲. **گزینه ۲** «بسهولة: به آسانی» (رد سایر گزینه‌ها) «إن: اگر» نباید «هرگاه» ترجمه شود (رد ۱ و ۳)، «لنا: برای ما» ترجمه نشده است (رد ۱ و ۴).
۱۵۷۳. **گزینه ۱** «فیما لا تعلّم: درباره آنچه نمی‌دانی» (ما شرطیه نیست پس معنی «هر چه» نمی‌دهد) (رد ۲ و ۴)، «وإن: اگرچه» (رد ۳ و ۴)، «کانوا أصغر منک: از تو کوچک‌تر باشند» (رد ۲ و ۴)، «بین: میان» (رد ۲)، «لا تمیّز: جدا نمی‌کند» (رد ۲ و ۳).
۱۵۷۴. **گزینه ۳** «یصعد: صعود می‌کند» در گزینه (۱) به شکل آینده ترجمه شده است، «إن: اگر، چنانچه» به معنای «هرگاه» نیست (رد ۲)، «بتسجیل: با ثبت، با زدن» مصدر است نه فعل (رد ۴).

(خارج از کشور ۹۰)

۱۴۱۵. «أَفْضَلُ مَا يَنْتَفِعُ بِهِ الصَّدِيقُ عِنْدَ الشَّدَّةِ هُوَ أَنْ لَا يَتْرَكَ فِي صَعُوبَاتِ الدَّهْرِ وَحْدَهُ»:

- ۱) برای یک دوست بهترین چیز این است که در تلخی های زمانه تنها باقی گذارده نشود!
- ۲) از بهترین چیزها که دوست را می توان با آن بهره مند کرد، این است که در تلخی زمانه تنها نماند!
- ۳) بهترین چیزی که برای دوست در گرفتاری سودمند است، فقط همین است که در سختی روزگار تنها نماند!
- ۴) بهترین چیزی که دوست هنگام سختی از آن بهره مند می شود این است که در سختی های روزگار تنها رها نشود!

۱۴۱۶. «قَدْ نَشَاهَدُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَكْمَلُ مِنَّا فَعَلِينَا أَنْ لَا نَذْكُرَ عَيْبَهُ الْأُخْرَى!»:

- ۱) میان مردم گاهی مشاهده می کنیم که کسی از ما کامل تر است پس ما باید عیب هایش را بازگو نکنیم!
- ۲) گاهی اوقات میان مردم کسی را می بینیم که از ما بهتر است بنابراین نباید عیب های دیگر او را یادآوری کنیم!
- ۳) قطعاً بین انسان ها اشخاصی را دیده ایم که از ما کامل ترند پس بر ماست که نقص های دیگر او را ذکر نکنیم!
- ۴) گاهی بین مردم کسی را مشاهده می کنیم که از ما کامل تر است پس باید عیب های دیگرش را ذکر نکنیم!

۱۴۱۷. «قَدْ يَحْدُثُ لَنَا أَنْ نَوَاجِعَ أَشْخَاصاً يُحْسِنُونَ إِلَيْنَا بِغَيْرِهِمْ وَيَنْتَفِعُ بِهِمُ النَّاسُ؛ هَؤُلَاءِ خَيْرُ الْعِبَادِ لَنَا!»:

- ۱) شاید برای ما پیش آمده باشد که با اشخاصی مواجه شویم که به غیر خود احسان می کنند و به مردم سود می رسانند؛ اینان خوب ترین عبادت کنندگان ما هستند!
- ۲) شاید برای ما رخ دهد که با اشخاصی مواجه شویم که به غیر خود احسان کنند و به مردم نفع رسانند؛ اینان بهترین بندگان برای ما هستند!
- ۳) ممکن است برایمان پیش آید که با افرادی روبه رو شویم که به دیگران نیکی کنند و مردم از آن ها سود برند؛ برای ما این ها بهترین بندگانند!
- ۴) گاهی با افرادی روبه رو می شویم در حالی که به غیر خود نیکی می کنند و مردم از آن ها سود می برند، بهترین بندگان برای ما این ها هستند.

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۱۸. «هَؤُلَاءِ آبَاءٌ وَأُمَّهَاتٌ يُرْشِدُونَ كُلًّا مِنْ أَوْلَادِهِمْ إِلَى أَطْيَبِ الصِّفَاتِ وَأَصْلَحِ الْأَعْمَالِ!»:

- ۱) اینان پدرها و مادرهایی هستند که همه فرزندان را به سمت ویژگی های پاکیزه تر یا کارهای شایسته تر راهنمایی می کنند!
- ۲) این پدر و مادرها هر کدام از فرزندان شان به سوی پاکیزه ترین ویژگی ها یا شایسته ترین کارها رهنمون می شوند!
- ۳) این ها پدران و مادرانی هستند که هر یک از فرزندان خویش را به پاکیزه ترین ویژگی ها و شایسته ترین کارها راهنمایی می کنند!
- ۴) ایشان پدر و مادرهایی هستند که هر کدام از فرزندان شان به پاکیزه ترین ویژگی ها و شایسته ترین کارها راهنمایی می شوند!

۱۴۱۹. ﴿بَنَسِ الْإِسْمَ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾:

- ۱) چه بدنامی است آلوده شدن به گناه پس از ایمان و هرکسی که توبه نکرده است، پس خود این ها، ظالم هستند!
- ۲) بدنامی است فسوق پس از ایمان آوردن و هرکس توبه ننماید، آن ها ستم می کنند!
- ۳) آلوده شدن به گناه بعد از ایمان بدنامی است و کسانی که توبه نکنند، پس آن ها ستمگر هستند!
- ۴) آلوده شدن به گناه پس از ایمان، بدنامی است و هرکه توبه نکند، پس آن ها همان ستمکاران هستند!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۲۰. «كَأَنَّ أَخْتَكِ الصَّغِيرَةَ تُرِيدُ فُسْتَانًا أَرْخَصَ فَأَذْهَبَا إِلَى مَتَجَرِّزِمِيلَى لِأَنَّهُ يَبِيعُ فَسَاتِينَ لَهَا أَسْعَارَ رَخِيصَةٍ!»:

- ۱) مثل این که خواهر کوچک تو پیراهن زنانه ای را می خواهد که ارزان تر باشد، پس به مغازه همکارم بروید زیرا او پیراهن های زنانه ای می فروشد که قیمت های ارزان تری دارند!
- ۲) گویی خواهر کوچکت پیراهن زنانه ارزان تری می خواهد، پس به مغازه همکارم بروید زیرا او پیراهن های زنانه ای می فروشد که قیمت های ارزانی دارند!
- ۳) خواهر کوچک تو گویی پیراهن زنانه ارزانی می خواهد، پس به مغازه همکارم بروید قطعاً او پیراهن های زنانه ای را که قیمت ارزانی دارند، می فروشد!
- ۴) گویی خواهر کوچکت پیراهن ارزان تری می خواهد که زنانه باشد، پس به مغازه همکارم که پیراهن های زنانه با قیمت هایی ارزان می فروشد، بروید!

۱۴۲۱. «أَحَبُّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ يَنْتَفِعُ النَّاسُ!»:

- ۱) از بندگان الله، کسی را که مردم از او نفع برند، دوست دارم!
- ۲) دوست داشتنی ترین کس از بندگان خداوند کسی است که به مردم فایده می رساند!
- ۳) از بندگان خدا دوست می دارم کسی را که به مردم سود می رساند!
- ۴) محبوب ترین کس از بندگان پروردگار آن کسی است که مردمان از او بهره برند!

۱۴۲۲. «تَسْمِيَةُ الْأَخْرَيْنِ بِالصِّفَاتِ الْقَبِيحَةِ وَإِسْتِهْزَاؤُهُمْ، عَمَلَانِ قَبِيحَانِ وَقَدْ حَرَّمَهُمَا اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ!»:

- ۱) بازماندگان را با اسم های زشت خواندن و به آن ها خندیدن، دو اقدام ناپسند در قرآن هستند و پروردگار آن ها را حرام می داند!
- ۲) نسبت دادن صفت زشت و ریشخند کردن دیگران، اعمال شرم آوری هستند و الله در قرآن آن ها را حرام شمرده است!
- ۳) نام گذاری دیگران، با خصلت های بد و مسخره کردنشان، دو کار زشت هستند و از جانب خداوند در قرآن منع شده اند!
- ۴) نامیدن دیگران به صفت های زشت و تمسخرشان، دو کار زشت است و خداوند آن ها را در قرآن حرام کرده است!

۱۴۲۳. «عَوِّقَبِ الْأَرَادِلِ بِسَبَبِ الْأَفْعَالِ الْقَبِيحَةِ الَّتِي ارْتَكَبُوهَا فِي حَقِّ غَيْرِهِمْ!»:

- ۱) فرومایگان را به خاطر انجام کارهای زشت که در حق غیر خود مرتکب شده بودند، مجازات کردند!
- ۲) فرومایگان به سبب انجام کارهای زشتی که در حق دیگران مرتکب آن شده بودند، کیفر داده شدند!
- ۳) فرومایگان، در حق غیر خود مرتکب کارهای زشت شدند و کیفر داده شدند!
- ۴) فرومایه ترها به خاطر ارتکاب کارهای زشت خود در حق دیگران مجازات شدند!

(تجربی ۹۹)

۱۴۰۵. «إِنَّ الْقَنُوطَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَنْبٌ يَفْتَحُ لَنَا بَابَ بَقِيَّةِ الذُّنُوبِ فَتْحًا!»

- ۱) ناامیدی از فضل خدا بزرگ‌ترین گناه است در حالی که در بقیه گناهان را برایمان باز می‌کند!
- ۲) ناامید شدن از لطف خدا گناه بزرگی است که در بقیه گناهان را برای ما به خوبی باز می‌کند!
- ۳) ناامیدی از رحمت خدا گناهی بزرگ است در حالی که در بقیه گناهان را حتماً برایمان باز می‌کند!
- ۴) ناامید شدن از رحمت خدا بزرگ‌ترین گناهی است که قطعاً در بقیه گناهان را برای ما باز می‌کند!

(خارج از کشور ۹۸)

۱۴۰۶. «وَجَدْتُ الشَّمْسَ أَقْوَى مَصْدَرٍ يَكْفِينَا نَوْزَهَا وَ حَرَارَتَهَا، دُونَ أَنْ تَقْرُبَ إِلَيْنَا أَوْ تَبْتَعِدَ عَنَّا!»

- ۱) دیدم خورشید قوی‌ترین منبع است که نور و حرارتش، بدون این‌که به ما نزدیک و یا از ما دور شود برایمان کافی است!
- ۲) خورشید را بر انرژی‌ترین منبعی یافتیم که نورش و حرارتش برایمان کافی است، بدون نزدیکی به ما و دوری از ما!
- ۳) خورشید را نیرومندترین منبعی یافتیم که نور و حرارت آن، بی‌آن‌که به ما نزدیک شود و یا از ما دور شود برای ما کافی می‌باشد!
- ۴) این خورشید قدرتمندترین منبعی است که نور و حرارتش برای همه ما کافی می‌باشد بدون آن‌که بتواند نزدیک به ما یا دور از ما شود!

(زبان ۹۹)

۱۴۰۷. «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ يَجْتَنِبُ كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ، وَ هُوَ خَيْرٌ لَهُ!»

- ۱) بهترین مردم کسی است که از گمان‌ها بسیار اجتناب کند، و این برایش بهتر است!
- ۲) برترین مردم کسی است که از بسیاری از گمان‌ها دوری کند، و آن برایش بهتر است!
- ۳) کسی برترین مردم است که از بسیاری از گمان‌ها دوری می‌کند و آن برایش خوب است!
- ۴) با فضیلت‌ترین مردم کسی است که از گمان‌ها بسیار پرهیز کند، و آن امر برای او خوب است!

(انسانی ۹۹)

۱۴۰۸. «لَا تُجَادِلْ مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ مَا تَقُولُ!»

- ۱) مجادله مکن با کسی که گفته تو را گوش نمی‌دهد!
- ۲) با کسی که به آنچه تو می‌گویی گوش نمی‌دهد، جدل مکن!
- ۳) با کسی که به آنچه تو می‌گویی گوش نمی‌دهد، جدل مکن!
- ۴) مجادله نمی‌کند کسی که به آنچه تو می‌گویی، گوش نمی‌دهد!

۱۴۰۹. «عَيْنُ الْخَطَا: ﴿لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾: يَكُ قَوْمٌ

- ۱) قوم دیگری را مسخره نکند، چه بسا خوب‌تر از آن‌ها باشند!
- ۲) نباید قومی دیگر را به استهزاء گیرد، ممکن است که از آن‌ها بهتر باشند!
- ۳) قومی دیگر را به باد تمسخر نگیرد، شاید که از آن‌ها بهتر باشند!
- ۴) قوم دیگر را مسخره نمی‌کند، امید است که شما از آن‌ها بهتر باشید!

۱۴۱۰. «أَحَبُّ أصدقائي مَنْ هُوَ يَعْمَلُ بوعده و لَا يَلْمِزُ الآخرِينَ أبدأ!»

- ۱) از بین دوستانم کسی را دوست دارم که به وعده‌اش عمل می‌کند و از دیگران عیب‌جویی نمی‌کند!
- ۲) دوست داشتنی‌ترین رفقایم کسانی هستند که به وعده‌هایشان عمل کرده و هرگز از دیگران عیب نمی‌گیرند!
- ۳) محبوب‌ترین دوستانم کسی است که به وعده‌اش عمل می‌کند و هیچ‌گاه از دیگران عیب‌جویی نمی‌کند!
- ۴) از میان دوستانم کسی را دوست دارم که به حرفش عمل کرده و هرگز به دیگران لقب‌های زشت نمی‌دهد!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۱۱. «صدیقی! يجب أن تأتي بأدلة أحسن يُقنع من يستمع إليها!»: دوست من!

- ۱) تو باید دلایل نیکویی بیاوری که هر که آن‌ها را شنید، قانع گردد!
- ۲) باید دلایل بهتری بیاوری که قانع شود کسی که به آن‌ها گوش می‌دهد!
- ۳) باید دلایل بهتری بیاوری تا کسی را که به آن‌ها گوش می‌دهد، قانع کنی!
- ۴) باید با بهترین دلایل بیایی که کسی را که به آن‌ها گوش می‌کند، قانع سازی!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۱۲. «ما أجمل أن تُقدّم لأبنائك موعظ قيمة تُرشدهم إلى المعرفة!»

- ۱) زیباتر آن است که به فرزندان خود پندهای ارزشمندی تقدیم کنی که با آن به سوی معرفت هدایت شوند!
- ۲) چه زیباست که به فرزندان پندهای ارزشمندی تقدیم کنی که آنان را به شناخت هدایت کند!
- ۳) چه زیباست که چیزی به فرزندان پیشکش کنی که آنان به معرفتی ارزشمند ارشاد شوند!
- ۴) آنچه زیباست این است که گران‌قدرترین پندها فرزندان را به شناخت هدایت کنند!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۱۳. «إِنَّ أباي من أصبر الناس لأن المصائب المُتتالية التي حلت بنا لم تغلب صبره!»

- ۱) پدرم از صبورترین مردم است چون گرفتاری‌های بیایی‌ای که بر ما فرود آمد، بر صبر او چیره نشده است!
- ۲) پدر من از مردم بسیار صبور است چون مصیبت‌های بیایی بر ما فرود آمده اما بر صبر او چیره نگشته است!
- ۳) پدرم از شکیباترین مردم است زیرا گرفتاری‌ها که پی در پی بر ما فرود آمد، بر شکیبایی او چیره نشده است!
- ۴) از شکیباترین مردم، پدر من است زیرا مصیبت‌های متوالی که ما را دچار کرد، نتوانست بر شکیبایی او غلبه کند!

۱۴۱۴. «من أهم المشكلات التي يواجهها الإنسان هي مشكلة قطع التواصل بين الناس في المجتمع!»

- ۱) از مهم‌ترین مشکلاتی که انسان با آن روبرو می‌شود همان مشکل عدم ارتباط میان مردم است!
- ۲) بزرگ‌ترین مشکلی که انسان در جامعه با آن مواجه می‌شود همان مشکل قطع ارتباط میان مردم جامعه است!
- ۳) از مهم‌ترین مشکلات که انسان با آن روبرو می‌شود مشکل قطع ارتباط بین مردم جامعه است!
- ۴) از مهم‌ترین مشکلاتی که انسان با آن مواجه می‌شود همان مشکل قطع ارتباط میان مردم در جامعه است!

۱۴۲۴. «يُنصَحنا النَّاشُ أَنْ لَا نُسَمِّيَ أَحَدًا بِالْقَابِ لَا يُحِبُّهَا وَ هَذِهِ التَّسْمِيَةُ بِئْسَ الظُّلْمُ!»:

- (۱) مردم ما را پند می دهند که کسی را با لقب هایی که دوست ندارد ننامیم و این نامگذاری ظلم بزرگی است!
- (۲) ما مردم را پند می دهیم که احدی را با القابی که دوستش ندارد، صدا نکنند و این نامیدن بد ظلمی است!
- (۳) مردم ما را نصیحت می کنند که احدی را با الفاظ دوست نداشتنی صدا نزنیم چرا که این چنین نامیدن ظلم بدی است!
- (۴) مردم ما را نصیحت می کنند که کسی را به القابی که دوستشان ندارد نام ندهیم و این نامیدن بد ظلمی است!

۱۴۲۵. «الْإِنْتِاجُ الْأَكْثَرُ لِلِاسْتِهْلَاكِ الْأَكْثَرِ، هَذَا هُوَ هَدَفُ الْبِلَادِ الْغَرِيبَةِ لِمَنْعِ تَقَدُّمِ الْمُسْلِمِينَ!»:

- (۱) تولید بیشتر باعث مصرف بیشتر است؛ این همان هدف کشورهای غربی، به خاطر پیشرفت نکردن ما مسلمان ها است!
- (۲) بیشتر تولید کردن برای بیشتر مصرف کردن، این همان اهداف کشورهای غربی به خاطر عدم پیشرفت کردن مسلمان است!
- (۳) تولید بیشتر برای مصرف بیشتر؛ این همان هدف کشورهای غربی برای جلوگیری از پیشرفت مسلمان است!
- (۴) بیشتر تولید کردن برای بیشتر مصرف کردن، این هدفی است که کشورهای غربی به خاطر عدم پیشرفت مسلمان ها دارند!

۱۴۲۶. «ذَهَبْتُ الْيَوْمَ نَحْوَ السُّوقِ لِأَشْتَرِيَ الْقَمِيصَ وَالسَّرْوَالَ فَطَلَبْتُ مِنْ صَدِيقِي الْحَنُونَ أَنْ يُعْطِيَنِي التَّخْفِيفَ الْأَكْثَرَ!»:

- (۱) امروز به طرف بازار رفتم برای این که پیراهن و شلوار بخرم پس از دوست مهربانم خواستم که تخفیف بیشتری به من بدهد!
- (۲) امروز به بازار رفته بودم که پیراهن و شلوار بخرم بنابراین از دوستم خواستم که بیشترین تخفیف را به من بدهد!
- (۳) در این روز به طرف بازار رفتم که شلوار و پیراهن تهیه کنم، بنابراین از مهربان ترین دوستم خواستم که به من زیاد تخفیف بدهد!
- (۴) امروز به سمت بازار رفتم تا پیراهن و شلوار بخرم بنابراین از دوست مهربان خود خواستم که بیشترین تخفیف را به من بدهد!

۱۴۲۷. «الْإِعْجَابُ بِالنَّفْسِ خِصْلَةٌ قَبِيحَةٌ عِنْدَ النَّاسِ نَهَانَا اللَّهُ عَنْهُ وَأَمْرًا بِالْإِبْتِعَادِ مِنْهُ!»:

- (۱) نزد مردم، خودپسندی یک خصلت ناپسند است که الله ما را از آن نهی کرده و ما به دوری از آن امر شده ایم!
- (۲) خودشیفتگی خصلت زشتی نزد مردم است و خداوند از آن نهی کرده و ما را به دوری کردن از آن دستور داده است!
- (۳) خودشیفتگی یک خصلت ناپسند نزد مردم است که خدا ما را از آن نهی می کند و به دور شدن از آن دستور می دهد!
- (۴) خودپسندی در نزد مردم خصلت زشتی است و پروردگار ما را از آن نهی نموده و به دوری از آن فرمان داده شده ایم!

۱۴۲۸. «شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ وَ شَرُّ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ!»:

- (۱) بدترین مردم است، کسی که آخرت خویش را به دنیایش فروخت، و بدتر از او کسی است که آخرت خود را به دنیای غیر خود فروخت!
- (۲) هر که به جای آخرتش، با دنیایش بیعت کند، بدترین مردم است و بدتر از او کسی است که به جای آخرتش، با دنیایش بیعت کرده است!
- (۳) هر کس جهان واپسین را به دنیا بفروشد، بدترین مردم اوست و هر که دنیای دیگری را برای آخرتش بفروشد، بدتر از اوست!
- (۴) بدترین مردم کسی است که آخرتش را به دنیایش فروخت و بدتر از او کسی است که آخرت خود را به دنیای دیگران فروخته است!

۱۴۲۹. «نَحْنُ الظُّلَّابُ قَدْ نُشَاهِدُ بَيْنَ الْآخِرِينَ أَحَدًا يَكُونُ أَحْسَنَ مِنَّا، إِذَنْ يَجِبُ أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ!»: ما دانشجویان

- (۱) گاهی بین دیگران کسانی را دیده ایم که برتر از ما هستند؛ پس در این هنگام بر ماست که از خودبینی دوری کنیم!
- (۲) شاید مشاهده می کنیم که بین دیگران کسی از ما برتر است؛ پس وظیفه ما است که از خودپسندی دور باشیم!
- (۳) گاهی میان دیگران کسی را می بینیم که از ما بهتر است؛ بنابراین ما باید از خودخواهی دوری کنیم!
- (۴) بین دیگران برتر از خودمان را مشاهده می کنیم؛ پس بر ما است که خود را از عجب و غرور دور کنیم!

(هنر ۹۹)

۱۴۳۰. «مَا أَجْمَلُ أَنْ تُرَى نِهَائِيَةَ أَحْزَانِكَ الْمَاضِيَةَ لِتَبْدَأَ حَيَاةً جَدِيدَةً فَرِحَةً!»:

- (۱) چه زیباست که پایان غم های گذشته ات را ببینی تا زندگی جدید شادی را شروع کنی!
- (۲) چه چیزی زیباتر است که غم های گذشته ات را پایان دهد تا یک زندگی جدید را با شادی آغاز کنی!
- (۳) چه زیباست که ببینی اندوه های گذشته ات پایان یافته برای این که زندگی جدید شادی شروع شود!
- (۴) آنچه زیباتر است اینست که پایان ناراحتی های قبلی ات را ببینی برای این که زندگی جدیدی شادمانه شروع شود!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۳۱. «الْخَيْرُ وَالشَّرُّ كَلِمَتَانِ يُعْرَفُ بِهِمَا خَيْرُ الْأَعْمَالِ وَ شَرُّهَا فَخِيٌّ عَلَيَّ خَيْرَهَا!»:

- (۱) خوبی و بدی دو واژه ای هستند که به بهترین و بدترین اعمال معروف اند؛ پس به سوی نیکی شتاب کن!
- (۲) خیر و شر دو کلمه ای هستند که بهترین و بدترین کارها با آن دو شناخته می شود؛ پس به سوی بهترینش بشتاب!
- (۳) خوبی و بدی دو کلمه ای هستند که خوب و بد اعمال به واسطه آن دو شناخته می شود؛ پس خوبی آن را زنده نگهدار!
- (۴) خیر و شر دو واژه می باشند، با آن ها بهترین کارها و بدترینش شناخته می شود؛ پس برای خوبی اش بشتاب!

۲. ترجمه چهار عبارتی

۱۴۳۲. عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) لیس شیءٌ أَنْقَلَ فِي مِيزَانِ الْأَعْمَالِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ! چیزی در ترازوی اعمال سنگین تر از اخلاق نیکو نیست!
- (۲) رَبِّي كَمَا حَسَّنَ خُلُقِي، حَسَّنَ خُلُقِي أَيْضًا! همان طور که پروردگارم خلقتم را زیبا کرد، اخلاقم را هم نیکو گردانید!
- (۳) عداوةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ! دشمنی با افراد عاقل بهتر از صداقت جاهلان است!
- (۴) مِنْ سَاءِ حُلُقِهِ عَذَابٌ نَفْسَهُ! هر کس اخلاقش بد شود، خودش را عذاب می دهد!

۱۴۳۳. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدَى إِلَيْكُمْ عيوبَكُمْ!؛ بهترین برادران شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند!
- ۲) الْأَنْبِيَاءُ بُعِثُوا لِيَتَمَمُوا مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ!؛ پیامبران مبعوث شدند، برای این‌که مکارم اخلاقی کامل شود!
- ۳) وَجَدْنَا مَرْكَزًا مَهْمًا لِتَبَادُلِ الْمَعْلُومَاتِ!؛ مرکزی مهم را جهت مبادله اطلاعات یافتیم!
- ۴) ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾؛ خداوند به هر کسی فقط به اندازه توانش تکلیف می‌کند!

۱۴۳۴. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) لَمَّا دَخَلْتُ فِي مَتَجَرِّ الْأَلْبَسَةِ كُنْتُ أَنْظِرُ إِلَى أَسْعَارِهَا،؛ وقتی وارد فروشگاه لباس‌ها شدم، به قیمت‌های آن‌ها نگاه می‌کردم.
- ۲) فَفَقَرْتُ مَتَى الْبَائِعُ وَقَالَ: إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا فَأَنَا فِي خِدْمَتِكَ،؛ پس فروشنده به من نزدیک شد و گفت: اگر چیزی بخواهی، من در خدمت شما (تو) هستم.
- ۳) فَسَأَلْتُ: هَلْ هَذِهِ الْفَسَاتِينُ وَالشَّرَاوِيلُ أَرْخَصُ،؛ پس پرسیدم: آیا این لباس‌های زنانه و شلوارها ارزان است.
- ۴) فَأَجَابَنِي: الْأَسْعَارُ مُخْتَلِفَةٌ حَسَبَ نَوْعِيَّاتِهَا وَأَلْوَانِهَا!؛ پس به من جواب داد: قیمت‌ها بر اساس اجناس و رنگ‌هایشان مختلف است!

۱۴۳۵. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) مَتَجَرِّ صَدِيقِي هُنَاكَ، أَظُنُّ أَنَّ نَوْعِيَّةَ سِرَاوِيلِهِ أَفْضَلُ!؛ مغازه دوست من آن‌جا است، گمان می‌کنم که جنس شلوارهایش بهتر است!
- ۲) أَعْطَانِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ ثَلَاثِمِائَةَ وَعِشْرِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ!؛ پس از تخفیف، سیصد و بیست هزار تومان به من بده!
- ۳) سَبَّهَ صَوْتٌ مِنْ يَرْفَعُهُ دُونَ دَلِيلِ بِصَوْتِ الْحِمَارِ!؛ صدای کسی که بی دلیل آن را بالا می‌برد، به صدای خر تشبیه شده است!
- ۴) يَجِبُ أَنْ لَا تَرْفَعَ صَوْتَنَا فَوْقَ صَوْتِ الَّذِي نَتَكَلَّمُ مَعَهُ!؛ نباید صدایمان را بالای صدای کسی ببریم که با او صحبت می‌کنیم!

۱۴۳۶. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ يَعْتَبِرُونَ سُورَةَ الْحَجَرَاتِ مِنْ أَجْمَلِ سُورِ الْقُرْآنِ!؛ برخی مفسران، سوره حجرات را از زیباترین سوره‌های قرآن به شمار می‌آورند!
- ۲) أَفْضَلُ مِنْ بَيْنِ الْأَعْمَالِ اِكْتِسَابُ الْمَالِ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ!؛ از میان کارها به دست آوردن مال از روزی حلال را ترجیح می‌دهم!
- ۳) يُنْهَى الْآخِرُونَ عَنِ سَخَرِيَةِ النَّاسِ لِأَنَّهُ عَمَلٌ قَبِيحٌ جَدًّا!؛ دیگران را از تمسخر مردم باز می‌دارد، زیرا که آن کاری بس ناپسند است!
- ۴) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ!؛ هرکس که شهوتش بر خردش غلبه کند، پس او بدتر از چارپایان است!

۱۴۳۷. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْاِسْتِهْزَاءَ فَقَط!؛ خداوند در این دو آیه فقط عیب‌جویی را حرام کرد!
- ۲) مِنْ بَيْنِ الطَّالِبَاتِ سَمِيَّةٌ أَكْبَرُ مِنْ عَاطِفَةَ!؛ از بین دانش‌آموزان سمیه از عاطفه بزرگ‌تر است!
- ۳) هُمْ لَا يَجْتَنِبُوا عَنِ الْاِتِّحَادِ وَالتَّعَاوُنِ!؛ آن‌ها نباید از اتحاد و همکاری دوری کنند!
- ۴) سَوْفَ تَنْكَسِرُ رِجَالُهُ غَرَفَتِنَا الْمَلُونَةَ!؛ شیشه رنگارنگ اتاق ما خواهد شکست!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۳۸. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) يَحِبُّ الْآبَاءُ وَ الْأُمَّهَاتُ رُؤْيَةَ أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ!؛ پدران و مادران دوست دارند فرزندانشان را در بهترین حالت ببینند!
- ۲) لَا تَرْفَعُ صَوْتَكَ فَوْقَ صَوْتِ مَخَاطِبِكَ لِأَنَّهُ عَمَلٌ سَيِّئٌ!؛ صدایت را بالای صدای مخاطبت بلند مکن زیرا آن کار بدی است!
- ۳) لَا تَسُبَّ مَنْ يَسُبُّكَ تَكْتَسِبُ الْمَعَالِي!؛ کسی را که به تو دشنام دهد، دشنام مگوی تا درجات بالا را کسب کنی!
- ۴) أَهْلَكَ النَّاسُ إِنْ نَانَ: خَوْفُ الْفَقْرِ وَ طَلِبُ الْفَخْرِ!؛ هَلَاكُ تَرْتِينَ مَرْدَمِ دُو تَا هَسْتَنْد: تَرْسِ فَقْرُو وَ طَلِبِ افْتِخَارِ!

۱۴۳۹. عَيْنُ الصَّحِيح:

- ۱) شَرُّ الْإِنْسَانِ مَنْ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ!؛ بدترین مردم انسان دورو است!
- ۲) خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا!؛ بهترین کارها میانه‌ترین است!
- ۳) أَنْجَحُ التَّلَامِيذِ مَنْ يَجْتَهِدُ كَثِيرًا!؛ از بین دانش‌آموزان کسی که بیشتر تلاش کند موفق می‌شود!
- ۴) أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْعَمَلُ بِالْقُرْآنِ!؛ برترین کارها عمل کردن به قرآن است!

۱۴۴۰. عَيْنُ الصَّحِيح:

- ۱) الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ!؛ امروز دینتان برای شما کامل شد!
- ۲) إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ!؛ اگر فرومایگان فرمانروا شوند، شایستگان را هلاک کنند!
- ۳) ﴿أَنْتُمْ الْأَعْلُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛ شما برترید اگر مؤمن باشید!
- ۴) اِعْلَمُ أَنَّ عَمَلَ الْخَيْرِ يَبْقَى وَالشَّرِّ يَفْنَى!؛ می‌دانم که کار نیک می‌ماند و کار بد از بین می‌رود!

(خارج از کشور ۹۸)

۱۴۴۱. عَيْنُ الصَّحِيح:

- ۱) اَتَمَّنِي أَنْ تَتَقَدَّمَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ!؛ آرزو می‌کنم امسال پیشرفت کنی!
- ۲) اُرِيدُ رَجُوعَكَ إِلَى بَيْتِكَ يَا أُمِّي!؛ می‌خواهم به خانه برگردی ای پدرم!
- ۳) عَزَمْتُ أَنْ أَهْبَ إِلَى الْمَدَارِسِ الدِّينِيَّةِ!؛ خواستم به مدرسه دینی بروم!
- ۴) مَا شَاهَدْتُ دَرَاثَتَكَ فَكَيْفَ تَنْجَحُ!؛ ندیدم درس بخوانی پس چگونه موفق شدی!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۴۲. عین الضحیح:

- (۱) أنظر! ما أجمل الشجرة التي قد نمت أمام بيتنا! نگاه کن! درختی که مقابل خانه مان رشد کرده، زیباتر است!
 (۲) لا فرار لبعض الناس في العالم من حياة قاسية قد حملتهم! برخی از مردم در جهان از زندگی دشواری که بر آنان تحمیل شده، هیچ گریزی ندارند!
 (۳) قد ينظر والدای إلى التلفاز والدموع تتساقط من أعينهما! گاهی پدر و مادرم به تلویزیون نگاه می کنند در حالی که اشک از چشمشان بی دربی فرو می ریزد!
 (۴) لم يقول بعض الناس بأفواههم ما ليس في قلوبهم والله أعلم به! برای چه بعضی مردم با دهانشان چیزی می گویند که در دل هایشان نیست و خداوند به آن داناست!

۳. تعریب

۱۴۴۳. «محبوبترین فرد از معلمان آن کسی است که شاگردانش را تعلیم می دهد!»:

- (۱) أحب من المعلمين المشفقين من يُعلم طلابه!
 (۲) أحب شخص من بين المعلمين من يُعلم طلابه!
 (۳) من المعلمين أحب من يُعلم الطلاب!
 (۴) أحب من المعلمين من يتعلم طلابه!

(تجربی ۹۹)

۱۴۴۴. «عالمترین مردم کسی است که علم مردم را بر علم خود افزود!»:

- (۱) أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه!
 (۲) الأعلم الناس من قد يجمع على علمه علم الناس!
 (۳) الأعلم من الناس الذي يجمع علم الناس إلى علمه!
 (۴) أعلم من الناس هو الذي قد جمع إلى علمه علم الناس!

(هنر ۹۹)

۱۴۴۵. «در ترازو چیزی سنگین تر از خوی نیکو نیست!»:

- (۱) ليس الشيء في ميزان أنقل من حُسن الخلق!
 (۲) في ميزان الشيء ليس ثقيل مثل حسن الأخلاق!
 (۳) في الميزان ليس شيء ثقيل من الأخلاق الحسن!
 (۴) ليس شيء أنقل في الميزان من الخلق الحسن!

(هنر ۹۷)

۱۴۴۶. «زحمت پدر و مادر بسیار بیشتر از اشتباهاتشان است، پس به آن ها فقط با مهربانی بنگر!»:

- (۱) إن الوالدين يتعبان تعباً كثيراً من أخطائهما، فلا تشاهدهما إلا باللطف!
 (۲) إن تعب الوالدين أكثر بكثير من خطاياهما، فلا تنظر إليهما إلا بالرفقة!
 (۳) إن الكدح والنصب للوالدين أكثر جداً من الخطايا، فانظر إليهما بالرحمة فقط!
 (۴) إن نصب الوالدين وكدهما كثير جداً من الأخطاء، فيجب أن تشاهدهما بالرفق فقط!

(خارج از کشور ۹۷)

۱۴۴۷. «بزرگترین ثروت ما اخلاق و انسانیت ماست و برای آن ها جایگزینی نیست!»:

- (۱) لا بديل لأخلاقنا وإنسانيتنا لأنه ثروتنا العظيمة!
 (۲) أعظم ثروتنا أخلاقنا وإنسانيتنا وليس لهما بديل!
 (۳) ليس لأخلاقنا وإنسانيتنا بديلاً لأنهما أعظم ثروتنا!
 (۴) أعظم ثروتنا الذي ليس لها بديل أخلاقنا وإنسانيتنا!

(ریاضی ۹۶)

۱۴۴۸. «امروز در جهان کنونی ترک کردن کوچک ترین اشتباهات، از بزرگترین فضیلت ها به شمار می آید!»:

- (۱) اليوم في العالم الحالي ترك أصغر الخطأ يعتبر من أكبر فضائلك!
 (۲) اليوم في العالم المعاصر ترك أصغر الأخطاء يعد من أكبر الفضائل!
 (۳) هذه الأيام في العالم الحالي ترك أصغر معاصيك يعد من أكبر فضائلك!
 (۴) هذا اليوم في العالم المعاصر ترك الاشتباهات الأصغر يعتبر من فضائل أكبر!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۴۹. «تو شلوارهای بهتری می خواهی، قیمت های آن ها از هفتاد و نه هزار تومان آغاز می شود!»:

- (۱) أنت تريد أفضل السراويل، تبدأ أسعاره من سبعة وتسعين ألف تومان!
 (۲) إنك تريد أفضل السراويل، تبدأ الأسعار من تسعة وسبعين ألف تومان!
 (۳) أنت تريد سراويل أفضل، تبدأ أسعارها من سبعة وتسعين ألف تومان!
 (۴) إنك تريد سراويل أفضل، تبدأ أسعارها من تسعة وسبعين ألف تومان!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۵۰. «پدر و مادرها با دلسوزی بهترین ویژگی ها و نیکوترین کارها را به فرزندانشان یاد می دهند!»:

- (۱) الوالدان يُعلمان أولادهما الصفات الفضلى والأعمال الحسنى مشفقين!
 (۲) يتعلم الأبناء من الوالدين المشفقين الخصال الفاضلة والأعمال الحسنة!
 (۳) يُعلم الآباء والأمهات أولادهم أفضل الخصال وأحسن الأعمال مشفقين!
 (۴) الآباء والأمهات يُعلمون أبنائهم فضلى الخصال وخسنى الأعمال مشفقين!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۵۱. «بهترین بندگان خداوند کسانی هستند که در زندگی به دیگران سود می رسانند!»:

- (۱) خير عباد الله من ينفعون الآخرين في الحياة!
 (۲) أحب عباد الله أنفعهم لعباده في الحياة!
 (۳) عباد الله الذين ينفعون الآخرين في الحياة هم خير العباد!
 (۴) أحب العباد هم الذين ينفع الآخرون منهم في حياتهم!

(ریاضی ۹۹)

۱۴۵۲. «یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است!»:

- (۱) تفكر ساعة خير من عبادة سبعين سنة!
 (۲) الساعة في التفكر أفضل من سبعين سنة العبادات!
 (۳) التفكر في الساعة خير من العبادة من سبعين السنة!
 (۴) ساعة واحدة من التفكرات أفضل من سنة سبعين من العبادات!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۵۳. «وارد کردن شادی به دل های مؤمنان از بزرگترین کارهایی است که خداوند آن را دوست دارد!»:

- (۱) دخول السرور على قلوب المؤمنين من أعمال عظيمة تحبها الله!
 (۲) إدخال السرور على قلوب المؤمنين من أعظم الأعمال التي يحبها الله!
 (۳) من أعظم الأعمال التي تحبها الله هي دخول السرور على قلب المؤمن!
 (۴) إن الأعمال الأعظم التي يحبها الله هو إدخال الفرح على قلوب المؤمنين!

۱۴۵۴. «از بین مدارس شهر، مدرسه ما برتر از بقیه مدارس دیگر است!»:

- (۱) من بين مدارس المدينة، مدرستنا فضلى من بقية المدارس الأخرى!
 (۲) من بين مدارس هذه المدينة، مدرستنا أفضل من بقية المدارس الأخرى!
 (۳) من بين المدارس في المدينة، مدرستنا خير من بقية المدارس الأخرى!
 (۴) من بين مدارس المدينة، مدرستنا أفضل من بقية المدارس الأخرى!



١. تعريف لغت و کاربرد آن

١٤٥٥. عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّعَارِيفِ:

- (١) اتقى: خاف أن يفعل ما نهى عنه الله!
- (٣) الكبائر: الذين أكبر منّا سنّاً!

١٤٥٦. عَيْنُ الْخَطَا فِي تَعْرِيفِ الْمَفْرَدَاتِ:

- (١) من يرتكب إثمًا أو معصية: أثيم!
- (٣) آلة توزن بها الأشياء: الميزان!

١٤٥٧. عَيْنُ الْخَطَا عَنِ «اللَّحْمِ»:

- (١) نأكله كطعام مع الخبز أو الرزّ!
- (٣) يأكله الناس للغداء أو العشاء!

١٤٥٨. مَا هُوَ الْخَطَا حَسَبَ الْإِيضَاحَاتِ:

- (١) العلاقة بين صديقين بشكلٍ مُستمرٍّ - التّواصل
- (٣) الخروج عن طاعة الله إلى معصيته - الفسوق

١٤٥٩. عَيْنُ الْخَطَا عَنِ «التَّجَنُّسِ»:

- (١) محاولة قبيحة لكشف أسرار الآخرين!
- (٣) هو من الكبائر في الإسلام ومن الشّيات!

١٤٦٠. «أَحَبُّ أَصْدِقَائِي عِنْدَ وَالِدِيهِمْ أَصْدَقُهُمْ فِي كَلَامِهِمْ» عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (١) دوست می دارم - راستگوترين (٢) محبوب ترين - راستگوترين
- (٣) دوست داشتنی ترين - صادق تر (٤) دوست دارم - صادق ترين

١٤٦١. «البضائع _____ فالناس طلبوا من الحكومة أن _____» عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَائِغَاتِ:

- (١) قيمة / يزداد / تُقلّلها
- (٣) أسعار / ارتفعت / تُخفّضها

١٤٦٢. عَيْنُ الْخَطَا عَنِ «الغَيْبَةِ»:

- (١) من أهم أسباب قطع التواصل بين الناس!
- (٣) إتهام شخص لشخص لعمل قبيح ما ارتكبه!

١٤٦٣. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (١) الهداي: صفة للإنسان ذي السكينة!
- (٣) أهدي: أعطى شيئاً أو هديةً لأحد!

١٤٦٤. عَيْنُ الْخَطَا عَنِ «العُجْبِ»:

- (١) حالة الشخص الذي يثير إعجاب الآخرين!
- (٣) حالة الشخص الذي يكون معجباً بأعماله!

١٤٦٥. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَعْرِيفِ الْمَفْرَدَاتِ:

- (١) عدم الحضور في الصّف: الاغتياب
- (٣) التّدامة من الذّنب والعزم على تركه: التّوبة

١٤٦٦. عَيْنُ الْخَطَا:

- (١) ساتر: كاتم العيب كثيراً!
- (٣) استهزئ: سخر من الناس للتحقير!

١٤٦٧. عَيْنُ الْخَطَا:

- (١) الخفي: ما ليس ظاهراً!
- (٣) عاب: لُقّب صديقه بما يكره!

١٤٦٨. عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّعَارِيفِ:

- (١) التّوعية: جنس البضاعة أو الأشياء!
- (٣) حَسَنٌ: أعطاه حسنة ومتضادّه «سَاءٌ»!

- (٢) التّجنّس: القيام بجمع المعلومات لنقلها!
- (٤) الفلق: الضبح عندما يظهر من ظلمة الليل!

- (٢) صفة لمن يتوب كثيراً: تائب!
- (٤) الكشف عن الأسرار لنشرها: الفّضح!

- (٢) من أجزاء جسم الإنسان والحيوانات!
- (٤) هو صالح للأكل قبل الطبخ أو بعده!

- (٢) خاف من ارتكاب ما نهى الله عنه - اتقى
- (٤) الشّيء الذي يُثير إعجاب الآخرين - العُجب

- (٢) فضح الناس بذكر عيوبهم بكلام خفي!
- (٤) قد نهى الله المؤمنين عنه في القرآن!

(تجربى ٩٨)

- (٢) هي من كبائر الذنوب و من الأخلاق السيئة!
- (٤) الذي يفعله كمن يأكل لحم أخيه المؤمن ميتاً!

- (٢) العُجب: صفة للذي يكره الآخرين!
- (٤) ذلّ: انحرف عن سبيل الحق!

- (٢) هو أن يعيب الإنسان أعمال الآخرين دائماً!
- (٤) هو أن تُعجب الإنسان مواصفات نفسه جداً!

- (٢) ما لا تقدر التّفنّس على تحمّلها: كره
- (٤) الاستمرار على العمل: التّواصل

- (٢) كره: فعل العمل دون الرّغبة!
- (٤) سمى: جعل له اسماً!

- (٢) عسى: فعل يدلّ على الرّجاء!
- (٤) حَيٌّ: أسرع إليه أو عجل!

- (٢) التّخفيض: تقليل الثمن!
- (٤) حرّم: جعله حراماً!

۱۴۶۹. عَيْنُ الضَّحِيحِ لِلْفَرَاعَاتِ:

(خارج از کشور السالی ۹۹)

«دراسة نفقة نقل النفط مهمة، قد تُستخدم آلات تستغرق وقتاً أقل وهي أرخص!»

«... هزینه انتقال نفت مهم است، گاهی وسایلی که وقت کمتری می‌گیرد و ... است!»

(۱) برآورد / بکار می‌بریم / ارزان

(۲) بررسی / بکار برده می‌شود / ارزانتر

(۳) تحقیق کردن / بکار می‌بریم / ارزانتر

۱۴۷۰. عَيْنُ الخَطَا:

(۱) الشعر: ثمن البضاعة أو قيمته!

(۲) المتجر: مكان التجارة أو بيع الأشياء!

(۳) ساء: أتى بالعمل السيء!

(۴) تمم: أكمله وجعله كاملاً!

۱۴۷۱. عَيْنُ الخَطَا:

(۱) الغيبة: التكلم خلف الآخرين بما يكرهون!

(۲) الميت: من خرجت روحه من جسمه ولا يتنفس!

(۳) التجسس: السعي لمعرفة المعلومات والحصول عليها!

(۴) الفسوق: الظن السيء بالنسبة إلى الآخرين!

۱۴۷۲. عَيْنُ الخَطَا فِي التَّعَارِيفِ:

(۱) الفسوق: التلوُّث بالذنوب والمعاصي!

(۲) جادل: ناظر لإظهار الصواب ومرادفه «بَحَثَ»!

(۳) تنابز: نسب إلى شخص لقباً قبيحاً يكرهه!

(۴) لمز: ذكر العيوب في غياب الشخص ومرادفه «عاب»!

۲. مترادف و متضاد

۱۴۷۳. عَيْنُ ما فِيهِ المِترادف:

(۱) اجْتَنِبْ عَنِ ضِدَادَةِ الكَذَابِ وَ جَالِسِ الضَّادِقِ!

(۲) أفضل الأعمال عند الله الكسب من الحلال!

(۳) أتعرف سعر هذه الفساتين أرخص أم قيمة تلك السراويل!

(۴) شر الناس من لا يعتقد الأمانة ولا يجتنب الخيانة!

۱۴۷۴. عَيْنُ ما فِيهِ المِترادف:

(۱) لا تسخروا من الناس عسى أن يكونوا خيراً منكم!

(۲) يُحِبُّ رَبَّنَا الأَعْمَالَ الحِسنَةَ وَ عَلَيِ المُؤْمِنِينَ التَّحَلَّى بِهَا!

(۳) التَّكَبُّرُ وَ العِجْبُ مِنْ أَسْوَأِ الصِّفَاتِ وَ عَلَيْنَا الإِبْتِعادُ عَنْهُمَا!

(۴) نهى الله عباده عن الاغتياب و الفسوق لأنهما من الكبائر!

۱۴۷۵. عَيْنُ ما لَيْسَتْ فِيهِ المِفرَداتِ المُتضادَّةُ أَوْ المِترادفةُ:

(۱) التَّجَسُّسُ مِنَ الأَخلاقِ السَّيِّئَةِ وَ التَّواضُّعُ مِنَ الأَخلاقِ الحِسنَةِ!

(۲) تلا القارئ المشهور آيات من سورة الحجرات بصوت جميل!

(۳) الكفار و المُلجِدون يقومون بفضح و بكشف أسرار الآخرين!

(۴) الانسان المتكبر و المغرور لا يُحسِنُ إلى الفقراء في حياته!

۱۴۷۶. عَيْنُ ما لَيْسَتْ فِيهِ المِفرَداتِ المُتضادَّةُ:

(۱) إن تخفى أو تُظهري هذه الأسرار، سوف تفسى يوماً!

(۲) لَقَبَتْ هَذَا العادِلَ بِلقَبِ سَيِّئٍ فَأَنْتَ الظَّالِمُ وَ هُوَ المَظْلومُ!

(۳) الله يأمر المؤمن أن يُقيمَ الفرائضَ وَ ينهاه عَنِ الذَّنوبِ!

(۴) إقرأ آياتٍ مِنَ أكبرِ سُورِ القرآنِ فِي الاصطِطافِ الصِّباحِ عَداً!

۱۴۷۷. عَيْنُ الضَّحِيحِ عَنِ مُرادِفِ الكِلماتِ:

(۱) الاستهزاء بالآخرين هو تسميتهم بالأسماء القبيحة! السخرية

(۲) أَحَدٌ مِنَ النِّاسِ يَرْتَكِبُ ذَنْباً: غيبة

(۳) تجسس عليهم في عملهم! تسمية

(۴) يا أيها الذين آمنوا لا تلمزوا أنفسكم! لا تأمروا

۱۴۷۸. عَيْنُ عِبارَةٍ جاءَ فِيها فِعْلالٌ مُضادانِ فِي المَعْنى:

(۱) أكبر العيب أن تعيب ما فيك مثله!

(۲) المحاوله لكشف أسرار الناس أمر قبيح!

(۳) خير شخص بين الناس من هو أحسن منا!

(۴) أ يُحِبُّ أَحَدَكُمُ أَنْ يَأْكُلَ لِحْمَ أَخِيهِ مِثْلاً فَكْرَهْتُمُوهُ!

۱۴۷۹. عَيْنُ ما فِيهِ الكِلماتِ المُتضادَّةُ أَوْ المِترادفةُ:

(۱) أسعازُ السراويل النسائية في هذا المتجر غالية جداً!

(۲) كباثر الذنوب فعل قبيح نهيينا عن أداءها!

(۳) أتيها البائع أعطني بعد التخفيض مئتين و ثلاثين ألفاً!

(۴) إذْهَبْنَ إلى متجر زميلي لشراء الفساتين الرخيصة و القميص!

۱۴۸۰. عَيْنُ الضَّحِيحِ عَنِ مُرادِفِ الكِلماتِ:

(۱) علينا أن لا نذكر عيوب الآخرين بكلام خفي! ستر

(۲) «إن بعض الظن إثم»: مُذِيب

(۳) «عسى أن يكونوا خيراً منهم»: أفضل

(۴) بعض الذنوب من أسباب قطع التواصل بين الناس! الاحترام

۱۴۸۱. عَيْنُ غَيْرِ المِناسِبِ فِي تَرْجِمةِ المِفرَداتِ ذاتِ المَعْنى:

(۱) لها عيون جميلة جداً! چشمها / چشمهها

(۲) أَلْفَ اللهُ بَيْنَ قلوبنا! الفت بقرار کرد / تأليف کرد

(۳) هل هذا هو دليلكم!؟ راهنما / دليل

(۴) هذه الأوراق لونها أخضر! برگها / کاغذها

١٤٨٢. في أي عبارة ما جاء المترادف أو المتضاد؟

- (١) العلاقات والتواصلات أصبحت سهلة للناس!
(٣) أفضل إنسان هو من أحسن إلى من أساء إليه!

١٤٨٣. ما هو الصحيح في المرادفات:

- (١) أعلمُ الناسَ من جمع علم الناس إلى علمه: علام!
(٣) أعطيتني التخفيض لأجل شراء الملابس: وهبني!

١٤٨٤. عيّن الخطأ في المتضاد:

- (١) نذكر أمثلة متنوعة ليفهم الطلاب الموضوع: ننسى
(٣) فقد حرّم الله تسمية الآخرين بالألقاب الكريهة: أحل!

١٤٨٥. عيّن عبارة خالية عن المتضاد:

- (١) الحياة السفلى للمتكاسلين والفضلى للمجدّين!
(٣) خير الكلام ما قلّ ودلّ وشره ما يُتعب الناس!

١٤٨٦. عيّن الخطأ في المرادفات والمضادات المشيرة إليها في التالي:

- (١) أكبر العيب أن تعيب ما فيك مثله ← = تلمز
(٣) ينس العمل الكذب عالماً ← ≠ نعم

١٤٨٧. عيّن الخطأ في المفردات المضادة:

- (١) من ساء خلقه عدب نفسه ← حسن!
(٣) فقد حرّم الله الإستهزاء بالآخرين ← أحل!

١٤٨٨. عيّن ما ليس فيه المترادف:

- (١) يا ساتر العيوب، اكتم واستر عيوبنا!
(٣) دار حبيبي تقع قرب بيت مدير الإدارة!

- (٢) سعر هذه الفساتين عالية نبحت عن أرخص عنها!
(٤) ليس جميلاً أن يرى الإنسان عيوب الآخرين فقط!

(٢) ربنا آمنا فاعفّر لنا: استغفر!

(٤) قد يكون بيننا من هو خير منا: أحسن!

(كانون فرهنگي آموزش)

- (٢) عليك أن ترى دموعي تتساقط من عيوني! ترتفع
(٤) بعض الذنوب من أسباب قطع التواصل بين الناس! التقاطع

(٢) راقب ألا تنزل أقدامك بعد أن اهتديت!

(٤) سوء التغذية مرض لا يفرق بين الغني والفقير!

(٢) إن ربك هو أعلم بمن ضل عن سبيله ← هدى

(٤) أوجب أحدكم أن يأكل لحم أخيه ميتاً ← الحى

(٢) الغيبة هي أن تذكر أخاك وأختك بما يكرهان ← يحبان!

(٤) أعلم أن فضح أسرار الناس من كبائر الذنوب ← صغائر!

(٢) عسى ألا ترتكب معصية لعله نخسر!

(٤) ينهى ربنا الناس عن العجب والكذب في كتابه!

قواعد (٧٧ تست)



١٤٨٩. عيّن ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) أحسن
(٢) أشجع

١٤٩٠. عيّن الجواب الذي ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) أصغر
(٢) أنفع

١٤٩١. عيّن اسم التفضيل:

- (١) حكام
(٢) أساتذة

١٤٩٢. عيّن الخطأ في جمع الأسماء:

- (١) كبير ← كبار
(٢) ميت ← موتي

١٤٩٣. عيّن كلمة ليست اسم التفضيل:

- (١) أقوى
(٢) آخر

١٤٩٤. عيّن الاسم الذي يُجمع على وزن «أفاعل»:

- (١) أكبر
(٢) خير من ...

١٤٩٥. عيّن كلها اسم التفضيل:

- (١) أتقى - أقل - أعلى - أذكي
(٣) أهم - أكد - خير - أوامر

١٤٩٦. عيّن العبارة التي ليس فيها اسم التفضيل:

- (١) أعظم الذنوب استصغار الذنب!
(٣) الشهداء خير الناس شجاعة وإيماناً!

(٣) أزرق
(٤) أكثر

(٣) أسود
(٤) أجمل

(٣) علماء
(٤) أقارب

(٣) أفضل ← فضلاء
(٤) أصغر ← أصاغر

(٣) أشد
(٤) آخر

(٣) أربع
(٤) فضلى

(٢) صغرى - أحمد - أساور - أكل

(٤) أغلى - أعلم - أفزّر - أحب

(٢) أحب أولادي أنسظهم من بينهم!

(٤) قد جاء في الكتاب: الخير والشر متضادان!

(هنر ۹۸)

- (۲) خیر الناس من یجبر نفسه علی الخیر!
(۴) أحب أن أقوم بخیر الأعمال فی الحیاة!

(ریاضی ۹۸)

- (۲) اللهم إني وكلتک أمری فأنت لی خیر وکیل!
(۴) عند الغضب نعرف حقیقة الأشخاص خیر معرفة!

- (۲) «العلمُ أصلُ كلِّ خیر و الجهلُ أصلُ كلِّ شرٍّ»
(۴) إنَّ من خیر أسمائکم عند الله، عبد الله!

- (۲) أذهب مع أصدقائی إلى الملعب الرياضي!
(۴) معرفة الإنسان تساعده علی كشف الأسرار!

(زبان ۹۸)

- (۲) أحب المعلمین الذین ینفعون الناس بأعمالهم!
(۴) أحب إخواننا من یرشدوننا إلى فهم عيوبنا بكلام لئین!

(انسانی ۹۸)

- (۲) إن أختی الصغری هی التلميذة الكبرى فی الصف!
(۴) هذه التلميذة صغری من زميلاتھا فی الصف!

(خارج از کشور ۹۸)

- (۱) الحديقة الصغری مع الأشجار المثمرة أحسن من الحديقة الكبرى من دون الأثمار!
(۲) الإخوان الذین یساعدوننا فی أمورنا الصعبة خیر إخوان فی حیاتنا!
(۳) إن الأعمال الّتی نعملها لكسب الحلال فضلی من بقیة أعمالنا!
(۴) ساعات تفكرنا فی اليوم الواحد أقل من نومنا عادة!

۱۵۰۴. عین الخطأ:

- (۲) فاطمة أحسن بنت فی رأیی!
(۴) مدرستنا كبری من هذه المدرسة!

(خارج از کشور ۹۹)

- (۲) إن الیأس شرُّ الأشياء لتخريب حیاة البشر!
(۴) الشرک بالله من شرِّ الأعمال الّتی تبعدنا عنه!

- (۲) أحب أن أصبح خیر من تشاهد حولک!
(۴) لم أشاهد خیراً فی حیاتک فكن نموذجاً!

- (۲) وصل العُمال فی الغروب إلى بیوتهم قبل مغرب الشمس!
(۴) الفلاح یعمل فی المزارع والعُمال یعملون فی المصانع!

(انسانی ۹۸)

- (۲) هو من مفاخر أمتنا! (۳)
(۴) مصالح الأمة نحفظها!

(زبان ۹۹)

- (۲) هذه السورة أعظم السور فی القرآن الکریم!
(۴) الغنی الأكبر الیأس من کل ما فی أیدی الآخرين!

۱۴۹۷. عین کلمة «الخیر» لیست اسم التفضیل:

(۱) الخیر فی ما وقع!

(۳) خیر الأعمال أوسطها!

۱۴۹۸. عین کلمة «الخیر» تختلف (فی نوع الاشتقاق):

(۱) یبقى الخیر حتی یرى صاحبه ثمرته!

(۳) ربّ دبر لی أمری فلیس تدبیری خیر تدبیر!

۱۴۹۹. عین معنی «خیر» مختلفاً عن الأخری:

(۱) «ما تفعلوا من خیر فإن الله به علیم»

(۳) «ربّ إني لما أنزلت إلی من خیر فقیر»

۱۵۰۰. عین عبارة ما جاء فیها اسم المكان:

(۱) زُرنا مرآقد الشهداء فی اليوم الماضي!

(۳) لنا مسبح فی الطابق الأول فی بیتنا!

۱۵۰۱. عین ما لیس فیهِ اسم التفضیل:

(۱) أفاضلنا من یحبون العلم و یعملون به!

(۳) حُسن الخلق أثقل الأعمال عند الله من عباده!

۱۵۰۲. عین الخطأ فی التفضیل:

(۱) لا شک أن لغة القرآن أبلغ من جمیع اللغات الأخری!

(۳) معلمونا فی المدرسة من أفاضل معلمی البلاد!

۱۵۰۳. عین الخطأ عن اسم التفضیل:

- (۱) الحديقة الصغری مع الأشجار المثمرة أحسن من الحديقة الكبرى من دون الأثمار!
(۲) الإخوان الذین یساعدوننا فی أمورنا الصعبة خیر إخوان فی حیاتنا!
(۳) إن الأعمال الّتی نعملها لكسب الحلال فضلی من بقیة أعمالنا!
(۴) ساعات تفكرنا فی اليوم الواحد أقل من نومنا عادة!

۱۵۰۴. عین الخطأ:

(۱) تخاف الطالبة الصغری من الكبرى!

(۳) مریم الحُسنی جاءت نحو المدرسة اليوم!

۱۵۰۵. عین کلمة «الشر» لا یمکن أن تكون اسم التفضیل:

(۱) جهلنا شرُّ أعدائنا إن نعرفه!

(۳) لا شرّاً إلا أن یمکن دفعه بالتدبیر!

۱۵۰۶. عین کلمة «خیر» بمعنی «أحسن»:

(۱) الخیر فی ما وقع فعلى الإنسان أن یهتم به!

(۳) أعمال الخیر تساعد الأشخاص كثيراً!

۱۵۰۷. عین عبارة ما جاء فیها اسم المكان:

(۱) قد ذهبْتُ إلى متجر صدیقی لمُشاهدة الملابس الفضلی!

(۳) هذه المدينة لها أربع مدارس كبيرة للبنین و البنات!

۱۵۰۸. عین ما لیس فیهِ اسم المكان:

(۱) مصادر النفط و الغاز فی قارة آسیا أكبر و أكثر!

(۳) المساجد بیوت أخرى للمؤمنین الذین یصلون!

۱۵۰۹. عین ما یدل علی المكان:

(۱) هو من مُقاتلینا!

(۲) یمشون فی مساکنهم!

۱۵۱۰. عین وزن «أفعل» لیس اسم التفضیل:

(۱) الشکوت أبلغ کلامٍ مقابل الجاهل!

(۳) من أحسن إلیک فأحسن إلیه، و هذا العمل حسن!

(رياضي ٩٨)

- (٢) كان من بين أصدقائي من هو أنجح التلاميذ!
(٤) إنَّ اللونَ الأبيضَ أحسنَ لونٍ لألبسةِ الممرَّضاتِ!

- (٢) جاء أبي و كان معه كتاب أقل حجماً فأخذته!
(٤) أكرم الرجل في بيته ضيوفاً يجلسون على المائدة!

١٥١٣. كم اسم التفضيل تُشاهد في العبارة؟ «إن أحب إخواني عندي في أكثر الأحيان من يصدقني و يسعى أن يوصلني إلى أعلى درجة و أهم مكانة!»
(١) واحد (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

١٥١٤. كم اسم التفضيل في الآية الكريمة التالية؟ «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَنْبَى»
(١) خمسة (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

(تجربي ٩٩)

- (٢) يجب أن نرى الآخرين أحسن منا!
(٤) أكره الأعمال لقطع التواصل بين الناس هو الغيبة!

- (٢) المسجد ← المساجد، المسجديات
(٤) أرذل ← أراذل، أرذلون

- (٢) أكبر رجل في المجتمع هو من يعمل لأسرته!
(٤) خير العمل ما يُعمل لرفع المجتمع و تقدّمه!

(هنر ٩٩)

- (٢) بكلامه اللين سمعنا أهدى الكلمات!
(٤) أهدى عملٍ نعرفه، هو بالعمل لا بالكلام!

(خارج از كشور انسانی ٩٨)

- (٢) أنا أعلم أن هذا ليس مفيداً!
(٤) الإجابة الحسنى تتعلق بأخي!

- (٢) معرفة الناس أنفع المعارف ← اسم التفضيل، مذكر، خبر
(٤) أعظم العبادة أجراً أخفاها ← اسم التفضيل، مؤنث، خبر

- (٣) مزر اسم المكان ← ممر
(٤) تجر اسم المكان ← متجر

(رياضي ٩٩)

- (٢) رأيت مكتبة في مدينتنا كانت من أكابر مكاتب العالم!
(٤) يجب أن يكون لون جدار المطابخ خاصة في الأماكن العامة أبيض!

(انسانی ٩٩)

- (٢) أحب صديقي الذي يُفكر في أعماله وأساليبه دائماً!
(٤) أسخط الصبور الشيطان بحلمه أمام المشاكل!

- (٢) سألت أباي: أفاضل هذا الطبيب؟
(٤) قالت الزائرة لبائع الملابس أريد سراويل أغلى!

(خارج از كشور انسانی ٩٩)

- (٢) إن زميلي حسناً أحسن إخوته في العائلة!
(٤) زرت أطول الكهوف المائية مع أحب أصدقائي!

١٥١١. عيّن ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) أتقى الناس من لا يخاف الناس من لسانه!
(٣) أعلم أن من جمع علم الناس إلى علمه فهو عليم!

١٥١٢. أي جواب لا يشتمل على اسم التفضيل:

- (١) لما انصرفنا نحو المدرسة شاهدت أكثر الطالبات!
(٣) إن أتقى الناس من هو يعمل لله!

- (١) واحد (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

- (١) خمسة (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

١٥١٥. عيّن ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) أكبر حيوان نراه حولنا هو الفيل!
(٣) أحسن إلى الناس كما تريد أن يُحسنوا إليك!

١٥١٦. عيّن الخطأ في الجمع:

- (١) المكتبة ← المكتبات، المكاتب
(٣) المزرعة ← المزارع، المزرعات

١٥١٧. عيّن الاسم الذي يكون مؤنثه على وزن «فعلى»:

- (١) أحصى العباد نعم الله الكثيرة فيسوا!
(٣) صليت في المسجد الكبير ولم أشاهد أي مُصل!

١٥١٨. عيّن ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) هو في حياته أهدى مني كثيراً!
(٣) صديقي أهدى إلى كتاباً من مكتبته!

١٥١٩. عيّن ما فيه اسم التفضيل:

- (١) السخى أكرم هؤلاء الفقراء!
(٣) هو عصي ربه فندم على عمله!

١٥٢٠. عيّن الصحيح عن الكلمات التي أشير إليها بخط:

- (١) الغيبة من أهم أسباب قطع التواصل ← اسم التفضيل، مذكر، خبر
(٣) ذلك المطبخ لنا و نستفيد منه للطبخ! ← اسم المكان، مضاف إليه

١٥٢١. عيّن الصحيح في صياغة اسم المكان:

- (١) مكتب ← كاتب
(٢) طبع اسم المكان ← مطبعة

١٥٢٢. عيّن ما فيه اسم التفضيل و اسم المكان معاً:

- (١) إن بعض المتاجر مفتوح إلى نهاية الليل!
(٣) نحب أن نشترى ما نريده بثمن أرخص و نوعية أعلى!

١٥٢٣. عيّن ما فيه اسم التفضيل:

- (١) لنبتعد عن الأعمال التي تجعل الأراذل يحكمون علينا!
(٣) كتب التلميذ واجباته متأخراً فما أرضى معلمه عنه!

١٥٢٤. عيّن ما فيه اسم التفضيل:

- (١) أحسن هذا الرجل المؤمن يكون واضحاً لكم!
(٣) أحسن أعمالى حتى أنجح في المستقبل!

١٥٢٥. عيّن وزن «أفعل» ليس اسم التفضيل:

- (١) أسعى الشباب، أخبرنا بنتيجة سعيه!
(٣) أهدى أخى عيوبى إلى بعد ما أصلح نفسه!

(كانون فرهنگى آموزش)

- ٢) أبى أكرم جميع الرجال فى الحفلة!
٤) أنا أكرم الناس فى مدينتى!

- ٢) هل تكتب لى رقم منزل صديقك الإيرانى؟
٤) هل تقرأ مطالب علمية من تاريخ مكتبة جندى ساپور؟

(كانون فرهنگى آموزش)

- ٢) نحنُ أبدلُ لما فى أيدينا فى حياتنا من غيرنا!
٤) إذا غلب شرُّ الرجلِ خيرُهُ قبلَ الشيطانِ عينيه!

(كانون فرهنگى آموزش)

- ٢) ذلك خيرٌ لكم إيماناً، وهذه هى أئمن الكلمة بالنسبة لنا!
٤) نحنُ نقض عليك أحسن القصص!

(كانون فرهنگى آموزش)

- ٢) كسب العلم أحب إلى من كسب المال والثروة!
٤) السيد القاسمى أفضل معلمينا فحترمه جميعاً!

(كانون فرهنگى آموزش)

- ٢) صديقى الأفهم أحسن إلى والديه تكريماً لهما!
٤) ننتخب هذا الشاب من بين الشباب وهو أعلمهم بالقرآن!

(كانون فرهنگى آموزش)

- ١) ﴿سبحان الذى أسرى بعبده ليلاً من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى﴾
٢) والله ما رأيتُ ما لا أحلُّ مما يكتسب من الزراعة!
٣) أكرم الناس لأعمالهم الحسنة ولا تسخرهم!
٤) يأكل الناس فى أمريكا الوسطى الأسماك التى تمطر السماء!

(كانون فرهنگى آموزش)

- ٢) من أهم الحسنة أن نتواضع أمام أقبائنا وأسائدتنا!
٤) خير العمل ما هو أثقل فى الميزان وأكثر أجراً!

(كانون فرهنگى آموزش)

- ٢) هؤلاء التلميذات أفضلون من كل زميلاتهن!
٤) استلمت رسالة أخرى من أختى الكبرى!

(كانون فرهنگى آموزش)

- ٢) فى هذا المتجر الملابس أرخص مما رأيت!
٤) تغذية أسماك الزينة أصعب جداً لهُواتها!

- ٢) أَرْضَى الناس من أعمالهم هم العلماء والمعلمون!
٤) ما أجمل غابات مازندران فنذهب نحوها!

(خارج از کشور السالى ٩٩)

- ٢) إن تربية الأطفال أقل صعوبة من إصلاح الكبار!
٤) قيمة قطعة صغيرة من تراب الساحل عند الغريق أئمن من كل ذهب الأرض!

- ٢) هذا آخر اختراع جديد اكتشفه العلماء!
٤) ليتغمد الإنسان على نفسه لا على إنسان آخر!

١٥٣٦. عَيْن ما فيه اسم التفضيل:

- ١) على أكرم الناس فى كل الأحوال!
٣) المؤمن أكرمكم عند الله فأكرموه!

١٥٣٧. عَيْن اسم المكان يختلف محله الإعرابى عن الباقي:

- ١) شاهدت حسن العمل فى ساحة المصنع فهذا العمل جيداً!
٣) صنع هذا النجار المحمل الجميل الملون!

١٥٣٨. عَيْن اسماً يدل على أشد الوصف:

- ١) العلم خيرٌ ما شاهدت و يُنجيك من الضلال!
٣) الكتاب الذى كان على المنضدة أسود اللون!

١٥٣٩. عَيْن العبارة التى لا توجد فيها مقايضة:

- ١) أنا أعلم بنفسى من غيرى فأرحم ضعف بدنى!
٣) قولوا للناس أحسن ما تُحبون أن يُقال لكم!

١٥٣٠. عَيْن اسم التفضيل يختلف محله الإعرابى عن البقية:

- ١) ﴿وَادخلنا فى رحمتك وأنت أرحم الراحمين﴾
٣) ما وجدته حتى الآن فهو خيبة الأمل، لكن الأمل أفضل لنا!

١٥٣١. عَيْن اسم التفضيل يختلف فى الترجمة:

- ١) هؤلاء المُجاهدون من أشجع الشباب فى بلادنا!
٣) أجمل الورود فى هذه الحديقة الصغيرة أحمر!

١٥٣٢. عَيْن اسم التفضيل يختلف فى الترجمة:

- ١) احترق أكبر البيوت فى هذه القرية ليلة أمس!
٣) استطعت أن أقرأ أصعب الكتب فى مجال الأدب!

١٥٣٣. عَيْن ما ليس فيه اسم التفضيل:

- ١) ﴿سبحان الذى أسرى بعبده ليلاً من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى﴾
٢) والله ما رأيتُ ما لا أحلُّ مما يكتسب من الزراعة!
٣) أكرم الناس لأعمالهم الحسنة ولا تسخرهم!
٤) يأكل الناس فى أمريكا الوسطى الأسماك التى تمطر السماء!

١٥٣٤. أى عبارة تشتمل على اسمين يدلان على التفضيل:

- ١) أحب العمل الخير الذى ينفع الناس ويبقى للأخريين!
٣) أحب عباد الله من يرشدون الأخريين إلى الصفات الطيبة!

١٥٣٥. عَيْن الخطأ: (عن اسم التفضيل)

- ١) لا يؤمن الحنيف إلا بالله لأن كلمة الله هى العليا!
٣) سورة البقرة أطول سورة فى القرآن المجيد!

١٥٣٦. عَيْن اسم التفضيل يختلف محله الإعرابى عن الباقي:

- ١) سمكة السهم من أعجب الأسماك فى الصيد!
٣) ننتخب ابنتى قميصاً أخضر والأحمر خير!

١٥٣٧. عَيْن الاسم يدل على الزحجان (الترجيح):

- ١) إن الأحق يُريد أن ينفعك فيضرك!
٣) أحدث هذا الثوب الأخضر النشاط فى فريقنا!

١٥٣٨. عَيْن الخطأ عن اسم التفضيل:

- ١) أهدى صديقى الأكبر إلى أمى وردة أحمر من كل الورود!
٣) يقول الطالب النشيط بعد انتهاء الامتحانات: لا لذة أجمل من التعلم!

١٥٣٩. عَيْن «آخر» ليس اسم التفضيل:

- ١) لولم يكتشف «إديسون» الكهرباء، لكان يكشفها عالم آخر!
٣) ما كنتُ أعرف أن خلف هذه الجبال، عالماً آخر!

١٥٤٠. عَيِّنْ اسْمَ التَّفْضِيلِ صَفَةً:

- (١) شاهدتُ في الكتاب سؤالاً أصعب من أسئلتك!
- (٣) ثروتك أكثر ولكن هل تساعدك في المهالك!

١٥٤١. في أي جواب ما جاء اسم يدل على الرجحان؟ (الترجيح)

- (١) الغيبة أهم أسباب قطع التواصل بين الناس!
- (٣) تنصحننا الآية الأولى وتقول: لا تعيبوا الناس الكرام!

١٥٤٢. عَيِّنْ جَوَاباً مَا جَاء فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) أيُّ الطريقين أفضل بين سوء الظنِّ وحُسْنِهِ؟
- (٣) واعلم أن حياة الدنيا ليست أمام الآخرة إلا شيئاً قليلاً!

١٥٤٣. عَيِّنْ كَلِمَةً «خَيْرٌ» بِمَعْنَى «الْحَسَنَةُ»:

- (١) الذي أهدى إليكم عيوبكم من خير أصدقائكم!
- (٣) من انتفع الناس بعمله فهو خيركم حقاً!

١٥٤٤. عَيِّنْ اسْمَ التَّفْضِيلِ بِمَعْنَى «صَفَتْ عَالِي» فِي الْفَارْسِيَّةِ:

- (١) أكرم أصدقائي من هو يحب الآخرين في قلبه!
- (٣) نتمنى أن نتخلص من شر أعدائنا الغاصبين!

١٥٤٥. عَيِّنْ كَلِمَةً «شَرٌّ» لِيَسْتَلْتَفْضِيلِ:

- (١) لقد تعلمنا من التعاليم الدينية والأخلاقية أن الإنتقام شر من العفو!
- (٣) إن شر الناس عند الله الذين لا يعقلون في آياته!

١٥٤٦. عَيِّنْ الْجَوَابَ الَّذِي مَا جَاء فِيهِ اسْمُ الْمَكَانِ:

- (١) معابر هذه الشوارع بحاجة إلى التغيير!
- (٣) هناك مناظر رائعة تخلص العيون!

(كانون فرهنگی آموزش)

- (٢) المعلم أحسن رجال لأنه يُرتى الأولاد!
- (٤) اشتريتُ من السوق كتباً فكان ثمنها أرخص!

- (٢) أجل أصدقائي جعفر لأنه يحميني دائماً!
- (٤) شاهدتُ قرب البيت ورقاً أصفر كان وقع على الأرض!

(كانون فرهنگی آموزش)

- (٢) فلهذا أترك الغيبة والتهمة وأكثر حسن الظن!
- (٤) فكن كالذي أهدى إلى عيوبي وهو أعز إخواني!

- (٢) خيّرني أبي بمواصلة دروسي أو العمل في المعمل!
- (٤) تطلب أمي من الله خير الدنيا والآخرة!

(كانون فرهنگی آموزش)

- (٢) أريد المسافرة إلى بلدي من طريق هو أحسن!
- (٤) هذا قميص قد لبسته وهو أفضل من الباقي!

- (٢) اللهم أعوذ بك من شر لساني، فإنه وسيلة لتحصيل العذاب!
- (٤) إن من شر عباد الله من تكرر مجالسته لفحشه!

- (٢) تعلمتُ المكارم والمحامد معاً!
- (٤) موعدنا غداً جنب ساحل البحر إن شاء الله!

١٥٤٧. كم اسم مكان يوجد في العبارة التالية؟ «في أحد المعارك جرح جندي بشدة وحملة المجاهدون نحو مأمن جنب خندق عظيم حينئذ نظر إلى مغرب الشمس قائلاً هنا مقتل أعداء إيران وبعد قليل التثمت جروحه وذهب إلى بيته لمدة!»

- (١) واحد
- (٢) ثلاثة
- (٣) أربعة
- (٤) خمسة

١٥٤٨. عَيِّنْ مَا فِيهِ اسْمُ الْفَاعِلِ وَاسْمُ الْمَكَانِ مَعاً:

- (١) المُتَكَاسِلُ هُوَ الَّذِي مَا نَجَحَ فِي امْتِحَانَاتِ نَهَايَةِ الْفَصْلِ!
- (٣) الشَّرْطِيُّ يُفْتَشُّ عَنْ حَقَائِبِ الْأَشْخَاصِ فِي الْمَطَارِ!

١٥٤٩. عَيِّنْ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ الْمَكَانِ:

- (١) ذهبنا نحو المطاعم التي شاهدتها في طريقى!
- (٣) خرج الإمام من محل الشريقول: هيووا!

١٥٥٠. عَيِّنْ اسْمَ الْمَكَانِ:

- (١) كان مبدأ كتابة رسالتى قبل شهرين!
- (٣) صديقى مُظْهِرُ الْحَقِّ دَائِماً لَصَدَقَهُ!

١٥٥١. عَيِّنْ الْجَوَابَ وَالْوَصْفَ حَوْلَ «الْعِلْمِ» فِيهِ أَشَدُّ مِنَ الْبَاقِي:

- (١) جاء الرجل العلامة من السفارة العلمية!
- (٣) العالم يكتب على اللوحة جملة!

١٥٥٢. مَيِّزْ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ وَاسْمُ الْفَاعِلِ وَاسْمُ الْمَفْعُولِ وَاسْمَ الْمَكَانِ مَعاً:

- (١) هم أقرب المادحين في المحامد للنبي الأكرم!
- (٣) المسلم يُمَيِّزُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ، وَيَعْرِفُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ!

١٥٥٣. عَيِّنْ مَا فِيهِ اسْمُ الْمَكَانِ:

- (١) اشتريتُ أساور لصديقتى بمناسبة ميلادها!
- (٣) يجب على الطبيب أن يبذل كل جهده في معالجة المرضى!

- (٢) فهمتُ أن أعلم الناس يعمل لهم!
- (٤) أعلم السر في الطرق السهلة للنجاح!

- (٢) يا مؤمنة احفظي عينك في محافل فيه التجار!
- (٤) لن يسمح المظلومون للكفار بتخريب المسجد الأقصى أبداً!

- (٢) اللهم! أنت منزل الكتاب، سريع الحساب!
- (٤) هذا لاعب سجل هدفاً في مرمى فريقه!



۱۵۵۴. کم اسم الفاعل و اسم المفعول و اسم المكان و اسم التفضيل جاءت في العبارة؟ «قال حارس المرمى: أحسن أعمالك يا أخي! فاشتاق الخدام لمشاهدة اللعب لأنهم فهموا أن خير كرة القدم هو سعي اللاعبين بشكل جمعي!»
- (۱) أربعة (۲) خمسة (۳) ثلاثة (۴) ستة
۱۵۵۵. عيّن الجواب الذي ليس فيه اسم المكان مفعولاً:
- (۱) ازدادت مع نزول المطر منازل تُبنى حول الغابة!
(۲) لا نُحب المَلْعَب إلا في زمن مباراة كرة القدم!
(۳) شاهدت في ساحة المدرسة مكتبة كبيرة للمطالعة!
(۴) مررتُ بشارع و صديقي يفتح متجره لبيع البضائع!
۱۵۵۶. عيّن اسم التفضيل خبراً:
- (۱) يا أخي! قلبُ الناسِ لِأَجُودِ الحُكَّامِ!
(۲) هذه أشهر جُعِلت لتكريم الشهداء و الأئمّة!
(۳) أكرمُ الرجالِ في الحفلة أقبَلُ على أسرة شهيد!
(۴) الذي يُصَلِّي و قلبه لله أشدّ إيماناً!
۱۵۵۷. عيّن الجواب لا يدلّ على المكان في المعنى:
- (۱) المُستوصَف - المُتخَف (۲) المُستَنقَع - المُختَبِر (۳) المَخِيل - المَطَار (۴) المَفسدة - المَرَحمة
۱۵۵۸. عيّن الاسم يدلّ على الأولوية:
- (۱) أشهر الكتاب كتب مقالةً حديثةً حول الرياضة!
(۲) أكرم الناس كثيراً حتى تدوم المروءة بينهم!
(۳) وصلتُ إلى المحفل في أواخر الخطبة الثانية!
(۴) أكمل في العمل تبخراً لتكون راحتي في كبرى!
۱۵۵۹. في أيّ جواب لم يذكر اسم التفضيل:
- (۱) خير الكتاب كثيرٌ و أئمنه هو أن يساعدك دون توقُّع!
(۲) أكابر القوم جاؤوا نحو المسجد حتى يُعَيّنوا زمن العمل!
(۳) خير المؤمنين المثقين هو الإنفاق الخفيّ!
(۴) ما أجمَلُ عند الله هو التوكُّل الحقيقيّ عليه!
۱۵۶۰. عيّن الاسم يدلّ على الفضيلة:
- (۱) أكرم الناس من يُحبّ التقدّم أسبوعاً ماضياً!
(۲) أكثر الطلاب اليوم عند مطالعة الدروس في الكلام!
(۳) خير ربنا العدالة و لن يفرّ أحد منها!
(۴) أحسن الرجال إلى الله من لا يترك الصلاة!
۱۵۶۱. عيّن ما ليس فيه اسم التفضيل:
- (۱) أخلص الأصدقاء هم الذين لا يدعونك في الشدة!
(۲) أبعيد عنا شرّ أعمال لا تُحبّها!
(۳) أقلّ الرجل في العمل، فغضب الملك!
(۴) أكرم الناس أعلمهم لأنه يُفيدهم!
۱۵۶۲. ما هو الصحيح حول التوضيحات للكلمات المعيّنة؟
- (۱) المشاهد التي شاهدتها مخوفة ← اسم الفاعل، على وزن «مفاعل»
(۲) كان صديقي مخرج الكتاب من هناك ← اسم المكان على وزن «مفعل»
(۳) لي ملابس في المعامل ← كلاهما اسم المكان و الجمع
(۴) المجالس الحسن يحترمك احتراماً صادقاً ← اسم الفاعل و مذكر
۱۵۶۳. عيّن الصحيح حول الإيضاحات؟
- (۱) شرّ الناس يصل إلى أنفسهم عادةً ← اسم التفضيل
(۲) سافرتُ إلى المناطق الإستوائية كثيراً ← اسم المكان
(۳) عشّت في أماكن عديدة آخر دراستي ← اسم التفضيل
(۴) شرّ هذه المدينة هو الإزدحام ← بمعنى «سيئة»
۱۵۶۴. عيّن اسم التفضيل:
- (۱) خير أبي شراء الكتب و أنفس الآثار!
(۲) تذكّرتُ صغري ففرحت بذكره كثيراً!
(۳) أحبّ كبرى لأنّ فيه تجارب قيمة!
(۴) لا يتبين فضلي الحقيقي إلا بعد انتصاري!
۱۵۶۵. ما هو غير الخطأ حول الإيضاحات؟
- (۱) اشترى أبي المحافظ التي كانت أماناً ← اسم الفاعل من «مفاعلة»
(۲) أحبّ الزوّار في مشهد و أحترمه بالغا ← جمع «الزائر» و هو اسم الفاعل
(۳) كان في المسجد خُداماً يعملون لراحتنا ← اسم الفاعل من مجرد
(۴) المقاتل تحكى لنا قصص الحرب المُرّة ← اسم الفاعل من «مفاعلة»

۱۴-۵ **گزینه ۴** «أعظم ذنب» بزرگترین گناهی است که... (رد سایر گزینه‌ها) «یفتَح» که باز می‌کند، جمله وصفیه است؛ پس با «که» ترجمه می‌شود نه «در حالی که» (رد ۱ و ۳).
 ۱۴-۶ **گزینه ۳** «وجدت» یافتن (رد ۱ و ۴)، «أقوى مصدر» نیرومندترین متبعی، اسم تفضیل و نکره است (رد ۱ و ۲)، «الشمس» بدون اسم اشاره است (رد ۴)، همچنین «بتواند» در گزینه (۴) اضافی است.

۱۴-۷ **گزینه ۲** «كثيراً من» بسیاری از (رد ۱ و ۴)، «خبر له» برایش بهتر است، اسم تفضیل است (رد ۳ و ۴).

۱۴-۸ **گزینه ۳** «تقول» مضارع است (رد ۱ و ۲)، «لا تجادل» جدل مکن، فعل نهی است (رد ۴)، «إلى ما» به آنچه (رد ۱)، «لا يستمع» مضارع منفی است (رد ۲).
 ۱۴-۹ **گزینه ۴** «لا يسخر» مسخره نکند، نباید مسخره کند، «لا» نهی است.

۱۴۱۰ **گزینه ۳** «أحب» دوست داشتنی‌ترین، محبوب‌ترین، اسم تفضیل است نه فعل مضارع (رد ۱ و ۴)، «أحب» دوست دارم، فعل مضارع است، «يعمل» و «يلمّز» مفرد هستند نه جمع (رد ۲).

۱۴۱۱ **گزینه ۲** «بأدلة أحسن» با دلایل بهتری (رد ۱ و ۴)، «تأتى بي» بیایوری (رد ۴)، «يقنع» قانع شود، مجهول است (رد ۳ و ۴)، «يستمع» گوش می‌دهد، مضارع است (رد ۱).

۱۴۱۲ **گزینه ۲** «ما أجمل» چه زیباست (رد ۱ و ۴)، «أن تُقدّم لأبنائك» به فرزندانت تقدیم کنی (رد ۴)، «مواظع قیمة» پندهایی ارزشمند (رد ۳ و ۴)، «أُرشد هم إلى المعرفة» آنان را به شناخت هدایت کنی (رد سایر گزینه‌ها).

۱۴۱۳ **گزینه ۱** «من أصبر الناس» از صبورترین مردم، اسم تفضیل است (رد ۲)، «المصائب المُتتالية» گرفتاری‌های پیاپی، ترکیب وصفی است (رد ۳)، «حلت بنا» بر ما فرود آمد (رد ۴)، «لم تغلب صبره» بر صبر او چیره نشده است (رد ۴).

۱۴۱۴ **گزینه ۴** در گزینه (۱) کلمه «المجتمع» ترجمه نشده است، در گزینه (۲) کلمه «مشکل» مفرد آمده است، در گزینه (۳) «المشكلات ألتی» باید همراه «ی» به صورت «مشكلاتی» که ترجمه می‌شد.

۱۴۱۵ **گزینه ۴** «أفضل ما» بهترین چیزی که (رد ۱ و ۲)، در ضمن «صعوبات» به معنای «سختی‌ها» و جمع است (رد سایر گزینه‌ها).

۱۴۱۶ **گزینه ۴** «عیوبه الأخری» عیب‌های دیگرش (رد ۱)، «أكمل» کامل‌تر (رد ۲)، «قد» قبل از فعل مضارع معنای «گاهی» شاید، ممکن است، می‌دهد، همچنین «نشاهد» فعل مضارع است (رد ۳).

۱۴۱۷ **گزینه ۳** «ینتفع بهم» از آنان سود می‌برد (رد ۱ و ۲)، ضمناً «یحدث» مضارع است (رد ۱)، «هؤلاء خیر» اینان بهترین هستند (رد ۴)، «العباد» بندگان، «العُباد» پرستش‌کنندگان (رد ۱).

نسوزی: حواستان باشد که مبتدا و خبر جابه‌جا ترجمه نشوند!

أنت عالم ← تو دانشمند هستی دانشمند تو هستی

هؤلاء خیر الناس ← این‌ها بهترین مردم هستند بهترین مردم این‌ها هستند

۱۴۱۸ **گزینه ۳** «هؤلاء آباء وأمهات» این‌ها پدران و مادرانی هستند (رد ۲)، «یرشدون» راهنمایی می‌کنند، فعل متعدی و دارای مفعول (کلاً) است (رد ۲ و ۴)، ضمیر «أولادهم» در گزینه (۱) ترجمه نشده، «أطیب الصفات» پاکیزه‌ترین ویژگی‌ها (رد ۱)، «و» به معنای «یا» نمی‌باشد (رد ۱ و ۲)، «أصلح الأعمال» شایسته‌ترین کارها (رد ۱).

۱۴۱۹ **گزینه ۴** «أولئك» آن‌ها در گزینه (۱) به صورت «این‌ها» ترجمه شده، ضمناً «بشئ» را با «چه» ترجمه نمی‌کنیم، «الظالمون» اسم و جمع است نه فعل (رد ۲)، «من لم یتب» مفرد است نه جمع (رد ۳).

۱۴۲۰ **گزینه ۲** «فستاناً أرخص» پیراهن زنانه ارزان‌تری (رد سایر گزینه‌ها)، «لأنه» زیرا او (رد ۳ و ۴)، «فساتین» پیراهن‌های زنانه‌ای (رد ۴)، «أسعار رخيصة» قیمت‌های ارزانی، قیمت‌هایی ارزان (رد ۱ و ۳).

ویتامینه: به ساختار کلمه «أرخص» که اسم تفضیل، بروزن

«أفعل» و به معنای «ارزان‌تر» است، دقت کنید و آن را با «رخیص»

به معنای «ارزان» اشتباه نگیرید.

۱۳۸۹ **گزینه ۳** در این عبارت «العَمال» جمع العامل) و «المُجدون» اسم فاعل هستند و هیچ اسم مبالغه‌ای وجود ندارد. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. المُتکَبِّر، اسم فاعل، المُتکَبِّر، اسم مبالغه ۲. حاذق، اسم فاعل، فَهامة، اسم مبالغه ۳. الماهر، اسم فاعل، التَّنظارة، اسم مبالغه

۱۳۹۰ **گزینه ۴** «الرؤسام» اسم مبالغه، «عُلماء» جمع عالم، اسم فاعل و «عصر» مضاف الیه است. در گزینه (۱) اسم مبالغه، در گزینه (۲) اسم فاعل و در گزینه (۳) مضاف الیه نداریم.

۱۳۹۱ **گزینه ۲** به دنبال اسم مبالغه‌ای می‌گردیم که نقش فاعل داشته باشد، در گزینه (۲)، «الكذاب» اسم مبالغه به معنای «بسیار دروغگو» و دارای نقش فاعل برای فعل «نظر» است. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. «العَمال» جمع مكثر العامل، اسم مبالغه نیست (اسم فاعل محسوب می‌شود)، ۲. «السُّباح» اسم مبالغه است، اما نقش مفعول را برای فعل «لم تُسأله» دارد، ۳. «الکُتاب» جمع مكثر الکاتب، اسم مبالغه نیست. (اسم فاعل محسوب می‌شود).

۱۳۹۲ **گزینه ۲** تمام کلمات بروزن «فعل، فَعالة» مبالغه هستند. دقت کنید در گزینه (۴) با توجه به فعل «تذهب» (می‌رود) اسم فاعل داریم نه مصدر. (المُحافظة: خانم محافظ)

۱۳۹۳ **گزینه ۳** «هواة» جمع هاوی، و اسم فاعل است. «السُّباح» و «عشاق» جمع مکسرند (السائح - عاشق) چون فعل بعدشان جمع است و «قاتل» هم فعل امر از باب مفاعلة است (با دشمنان بجنگ).

۱۳۹۴ **گزینه ۴** بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. «مُنذَرَج» (اسم فاعل از باب انفعال، لازم است و اسم مفعول ندارد)، ۲. «المزارع» (ج المزرعة)، (صفت آن مفرد مؤنث است) ۳. «مُشاهدة» (اسم فاعل) (تو بیثنده همه کارهای من هستی) حالت درست هستند.

۱۳۹۵ **گزینه ۴** بررسی گزینه‌ها: ۱. تمام اسم‌های مبالغه از مصدر ثلاثی مجرد هستند (علم) ۲. مشاور را دیدیم در حالی که کتاب می‌خواند ← «المُشاورة» اسم فاعل مؤنث است. ۳. با توجه به «جاء» و «مسروراً» که مذکر هستند، پس «الفهامة» بیانگر مذکر است. (الذی يفهم ويعلم كثيراً) ۴. «الطَّيَّارة» یعنی هواپیما و بیانگر خلیان مؤنث نیست.

۱۳۹۶ **گزینه ۱** «بیننده» من یک مرد است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب فعل داریم: شاهدنی ← نون و قایه دارد. (مرد مرا دید)، شاهدی رجلاً ← مردی را بین (رجلاً) منصوب آمده پس مفعول است. شاهد الرجل ← مرد را بین.

۱۳۹۷ **گزینه ۴** «جَوَّال» یعنی کسی که بسیار در رفت و آمد است، با توجه به وجود «یستقبل» استقبال می‌کرد؛ پس نمی‌تواند به معنای «تلفن همراه» باشد. ضمناً در کتاب درسی در دوم سال دوازدهم اشاره شده که «جولة» گردش»

درس اول

پایه یازدهم

۱۳۹۸ **گزینه ۴** «یفتخر» مضارع است ولی در سایر گزینه‌ها به صورت ماضی استمراری ترجمه شده است ضمناً «کلاهما أسوة...» به زمان حال است نه گذشته (رد ۱ و ۳)، «الجميع العالمین» برای همه عالمیان، جهانیان، کلمه «جميع» معنانشده است (رد سایر گزینه‌ها)، «أسوة» نکره است (رد ۲ و ۳)، «قُتل» ماضی مجهول است (رد سایر گزینه‌ها).

۱۳۹۹ **گزینه ۴** «النعم» جمع «النعمة» است و مفرد نیست (رد ۱ و ۳)، «الحياة» ضمیر ندارد (رد ۱ و ۲)، «رتی الحنون» پروردگار مهربانم، مهربان خود (رد ۲ و ۴).

۱۴۰۰ **گزینه ۱** «قررت» قرار گذاشتن، مفرد است (رد ۲ و ۳)، «الصغیر» کوچک، اسم تفضیل نیست (رد ۲ و ۳)، «المتحف» موزه، مفرد است (رد ۲ و ۴)، «أثار المتحف التاریخیة» آثار تاریخی موزه، دقت کنید، «التاریخیة» صفت برای «أثار» است (رد سایر گزینه‌ها).

۱۴۰۱ **گزینه ۴** «صیدها» صید خود (رد سایر گزینه‌ها)، «أعجب الأسماك» عجیب‌ترین ماهی‌ها، شگفت‌ترین ماهی‌ها، «أعجب» اسم تفضیل است و چون بعد از آن مضاف الیه آمده همراه «ترین» ترجمه می‌شود. ضمناً «الأسماك» معرفه است و نباید به صورت نکره (ماهستانی) ترجمه شود (رد سایر گزینه‌ها)، «تأکل» فعل مضارع است (رد ۲ و ۳).

۱۴۰۲ **گزینه ۱** «أحسن» نیکوتر، اسم تفضیل است (رد ۲ و ۳)، «رتک» پروردگارت، ضمیر در گزینه (۳) ترجمه نشده است، «أدع» دعوت کن، «فراخوان» فعل امر است و نباید به صورت اسم ترجمه شود (رد ۲ و ۴)، همچنین در گزینه (۲) «سخنان خوب و زیبا» اضافی است.

۱۴۰۳ **گزینه ۴** «من هرکس» (رد ۲ و ۳)، «لم یکن له» نداشته باشد، نداشت (رد ۱ و ۲)، «لن یكون له» نخواهد داشت (رد ۲ و ۳).

۱۴۰۴ **گزینه ۴** «أقرب شخص» نزدیک‌ترین فرد (رد ۱ و ۲)، «بعیداً» دور، اسم است (رد سایر گزینه‌ها)، در گزینه (۳) «کسی که» اضافی است.

۱۴۴۲ **گزینه ۲** بررسی سایر گزینه‌ها ۱ «ما أجمَلُ...» به معنی «... چه زیباست» ترجمه می‌شود. ۲ «الذموع» جمع مکشربه معنی «اشک‌ها» و «أعین» نیز جمع مکشربه معنی «چشم‌ها» است. ۳ «أعلم» اسم تفضیل و به معنای «داناتر» است. همچنین «أقواء» به معنی «دهان‌ها» است.

۱۴۴۳ **گزینه ۲** کلمه «فرد» (شخص) فقط در گزینه (۲) تعریف شده (رد سایر گزینه‌ها). در گزینه (۱) «المشفقین» اضافی است. «شاگردانش» طلبه باید به همراه ضمیر بیاید (رد ۳). «تعلیم می‌دهد» فعل «یتعلّم» به معنای «یاد می‌گیرد» است (رد ۴).

۱۴۴۴ **گزینه ۱** «عالم‌ترین مردم» «أعلم الناس» ترکیب اضافی است پس بدون «ال» می‌آید و نیازی به «من» ندارد (رد سایر گزینه‌ها). «افزود» جمع فعل ماضی است نه مضارع (رد ۲ و ۳). کلمه «من» در گزینه‌های (۳) و (۴) اضافی است.

۱۴۴۵ **گزینه ۴** «چیزی: شیء» نکره است (رد ۱ و ۲). «سنگین‌تر: أثقل» اسم تفضیل است (رد ۲ و ۳). «ترازو» معرفه است (رد ۱ و ۲).

۱۴۴۶ **گزینه ۲** «رحمت: تعب» اسم است نه فعل (رد ۱). در گزینه‌های (۳) و (۴) «اشتباه‌نشان» بدون ضمیر آمده است. «بیشتر: أكثر» اسم تفضیل است (رد ۱ و ۴).

۱۴۴۷ **گزینه ۲** «بزرگ‌ترین» «أعظم» اسم تفضیل است (رد ۱). در گزینه (۳) «لأنهما» زیرا اضافی است ضمناً «بزرگ‌ترین ثروت ما» باید به عنوان مبتدا در اول جمله بیاید نه به عنوان خبر و آخر جمله. در گزینه (۴) «الذی» اضافه است. ضمناً در عبارت فارسی دو تا حرف «و» داریم. ولی در سایر گزینه‌ها یک حرف «و» آمده.

۱۴۴۸ **گزینه ۲** «اشتباهات» جمع است نه مفرد (رد ۱) و ضمیر ندارد (رد ۳). «امروز» مفرد است (رد ۳). «کوچک‌ترین اشتباهات: أصغر الأخطاء» (رد سایر گزینه‌ها). «فضیلت‌ها: الفضائل» (رد سایر گزینه‌ها).

۱۴۴۹ **گزینه ۴** «تو: أنت، آنک (مذکر)، أنت، آنک (مؤنث)»، «شلوارهای بهتری: سراویل أفضل» (رد ۱ و ۲). «می‌خواهی: تُريدُ (مذکر)، تُريدین (مؤنث)»، «قیمت‌های آن‌ها: أسعارها» (رد ۱ و ۲). «هفتاد و نه هزار تومان: تسعة و سبعين ألف تومان» (رد ۱ و ۲).

شیرخشک ۱ ترجمه شدن «إن» اختیاری است.

۲ در اعداد دو رقمی ابتدا یکان و سپس دهگان می‌آید.

۱۴۵۰ **گزینه ۳** «پدر و مادرها: الآباء والأمهات» (رد ۱ و ۲). «با دلسوزی: مشفقین» (رد ۱ و ۲). «بهترین ویژگی‌ها: أفضل الخصال» (رد سایر گزینه‌ها). «نیکوترین کارها: أحسن الأعمال» (رد سایر گزینه‌ها). «یاد می‌دهند: يعلم» (رد ۲).

۱۴۵۱ **گزینه ۱** «بهترین بندگان خداوند: خیر عباد الله» (رد سایر گزینه‌ها). «در زندگی: فی الحیاة» ضمیر ندارد (رد ۴). «به دیگران سود می‌رسانند: ینفعون الآخرين» (رد ۲ و ۴).

۱۴۵۲ **گزینه ۱** «یک ساعت تفکر: تفکر ساعة» (رد سایر گزینه‌ها). «عبادت: عبادة» مفرد است (رد ۲ و ۴). «هفتاد سال: سبعين سنة» (رد ۳ و ۴).

۱۴۵۳ **گزینه ۲** «وارد کردن شادی: إدخال السرور» (رد ۱ و ۳). «دخول» به معنای «وارد شدن» است. «به دل‌های مؤمنان: علی قلوب المؤمنین» (رد ۳). «از بزرگ‌ترین کارهایی است که: من أعظم الأعمال التي...» (رد ۱ و ۴). «خداوند آن را دوست دارد: یحبها الله» فعل متناسب با «الله». به صورت مذکر می‌آید. اما ضمیر «ها» متناسب با «الأعمال» به صورت مفرد مؤنث به کار می‌رود (رد ۱ و ۳).

۱۴۵۴ **گزینه ۴** «مدارس شهر: مدارس المدينة» (رد ۲ و ۳). «أفضلی من» نادرست است (رد ۱). «مدارس دیگر: معادل المدارس الأخری» است چرا که «المدارس» جمع غیر انسان است و صفت آن به صورت مفرد مؤنث می‌آید (رد ۱ و ۲).

۱۴۵۵ **گزینه ۳** «گناهان کبیره: کسانی که از ما بزرگ‌تر هستند» تعریف «کیار» یا «اکابر» است. ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ تقوای پیشه کرد (بروا کرد): ترسید که چیزی را انجام دهد که خداوند او را زان نهی کرده است. ۲ تجسس: پرداختن به جمع‌آوری اطلاعات برای انتقال آن‌ها! ۳ سپیده دم: صبح هنگامی که از تاریکی شب آشکار می‌شود!

۱۴۵۶ **گزینه ۲** «توبه کننده: صفت برای کسی که خیلی توبه می‌کند» تعریف (تواب) است نه نائب. ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ هر کس گناهی یا معصیتی مرتکب می‌شود: گناهکارا ۲ وسیله‌ای که با آن اشیاء وزن می‌شوند: ترازو! ۳ کشف رازها برای بخش و گسترش آن‌ها: رسوا کردن!

۱۴۴۱ **گزینه ۳** «أحبت» فعل است نه اسم تفضیل (رد ۲ و ۴). «ینفع الناس: به مردم سود می‌رساند» (رد ۱ و ۴).

۱۴۴۲ **گزینه ۴** «الآخرین: دیگران» «قد حرّم» ماضی است نه مضارع (رد ۱). «الصفات: صفت‌ها» (رد ۲). در گزینه (۳) «حرّم» حرام کرده است. به صورت مجهول یعنی «منع شده است» ترجمه شده.

۱۴۴۳ **گزینه ۲** «عوقب: کیفر شد» مجازات شد: مجهول است (رد ۱). «بسبب: به سبب» در گزینه (۳) ترجمه نشده است. در گزینه‌های (۳) و (۴) «التي» ترجمه نشده است.

نوبینگ: وزن «فعل» مجهول «فاعل» است.

مثال: «شاهدت: دید»، «شوهبت: دیده شد».

۱۴۴۴ **گزینه ۴** «بئس الظلم: بد ظلمی است» (رد ۱). «ینصحننا الناس: مردم ما را نصیحت می‌کنند» ضمیر «نا» هرگاه به فعل مضارع بچسبند، مفعول است (رد ۲). «لا یحبتها» فعل است نه اسم (رد ۳). همچنین در گزینه (۱) ضمیر «لا یحبتها» ترجمه نشده.

۱۴۴۵ **گزینه ۳** در گزینه (۱) «باعث» و «ما» اضافی است. «الإنتاج الأكثر: تولید بیشتر» ترکیب وصفی است (رد ۲ و ۴). «هدف: هدف» مفرد است نه جمع (رد ۲). در گزینه (۴) هم به صورت نکره «هدفی است که» ترجمه شده است.

۱۴۴۶ **گزینه ۱** «صدیقی الحنون: دوست مهربانم» (رد ۲ و ۳). «التخفیض الأكثر: تخفیف بیشتر» (رد سایر گزینه‌ها).

۱۴۴۷ **گزینه ۱** قبل از «نهانا» حرف «و» نداریم در واقع «نهی» جمله وصفیه است و با «که» ترجمه می‌شود (رد ۲ و ۴). «أمرنا: امر شده ایم» فعل ماضی مجهول است نه معلوم و مضارع (رد ۲ و ۳).

۱۴۴۸ **گزینه ۴** «شر الناس من: بدترین مردم کسی است که» مبتدا و خبر باید درست و به ترتیب ترجمه شود (رد سایر گزینه‌ها). «من: کسی که» وسط جمله است و شرطیه (هر کس) نیست (رد ۲ و ۳). «باع: فروخت، فروخته است» (رد ۲).

۱۴۴۹ **گزینه ۳** «نشاهد» مضارع است نه ماضی (رد ۱). «قد» قبل از مضارع به معنای «گاهی، شاید» است (رد ۴). «أحداً یكون: کسی را که... است» (رد سایر گزینه‌ها). «نبتعد» فعل لازم است نه اسم یا فعل متعدی (رد ۲ و ۴).

۱۴۴۰ **گزینه ۱** «ما أجمَلُ: چه زیباست» (رد ۲ و ۴). «نهاية: پایان» اسم است نه فعل (رد ۲ و ۳). «لتبدأ: تا شروع کنی» چون «حیاة» مفعول است (رد ۲ و ۳).

۱۴۴۱ **گزینه ۲** «یعرف: شناخته می‌شوند» فعل است. «بهما: بیان دو» (رد ۱). «کلمات: دو کلمه‌ای (دو واژه‌ای)» نکره است (رد ۴). «خیر الأعمال و شرّها: بهترین و بدترین اعمال» چون «خیر» و «شر» مضاف شده‌اند اسم تفضیل هستند (ترین). «حی: شتاب» (رد ۳). «علی خیرها: به سوی بهترینش» (رد سایر گزینه‌ها).

۱۴۴۲ **گزینه ۳** ترجمه درست: «دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است».

۱۴۴۳ **گزینه ۲** «لینتمموا: تا کامل کنند» فعل معلوم و متعدی است.

۱۴۴۴ **گزینه ۳** «أرخص: ارزان‌تر» (اسم تفضیل است).

۱۴۴۵ **گزینه ۲** «أعطانی: به من داد» فعل ماضی است و «أعطنی: أعطیتی: به من بده» فعل امر است.

۱۴۴۶ **گزینه ۳** «نهی» فعل مجهول است. (دیگران باز داشته می‌شوند)

۱۴۴۷ **گزینه ۱** «الاستهزاء: مسخره کردن، تمسخر»

۱۴۴۸ **گزینه ۴** «أهلك» در این گزینه فعل ماضی است و اسم تفضیل نیست زیرا «الناس» مفعول است نه مضاف الیه (الناس): (دو چیز مردم را هلاک کرد...)

۱۴۴۹ **گزینه ۴** ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها ۱ «بدترین انسان از بین مردم (انسان) دور است». ۲ «میان‌ترین آن‌ها» ۳ «موفق‌ترین دانش‌آموزان کسی است که بسیار تلاش می‌کند».

۱۴۴۰ **گزینه ۳** ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها ۱ امروز دینتان را برایتان کامل کردم. ۲ اگر فرومایگان فرمانروا شوند، شایستگان هلاک می‌شوند. «الأفاضل» فاعل است نه مفعول ۳ «أعلم: بدان» فعل امر است.

۱۴۴۱ **گزینه ۱** «بیتک: خانه خود» (رد ۲). «المدارس» جمع است (رد ۳). «دراستک: درس خواندنت» «تنجح: موفق می‌شوی» (رد ۴).

۱۴۷۱. **گزینه ۴** «اللحم، گوشت» ترجمه گزینه‌ها ۱ آن را به عنوان غذا همراه نان یا برنج می‌خوریم. ۲ از اعضای بدن انسان و حیوانات است. ۳ مردم آن را برای ناهار یا شام می‌خورند. ۴ آن قبل از پخت یا بعد از آن مناسب خوردن است. (گوشت، قبل از پخت، مناسب خوردن نیست)
۱۴۷۲. **گزینه ۴** ترجمه گزینه‌ها ۱ رابطه میان دو دوست به شکل مستمر؛ ارتباط، ۲ از انجام آنچه خداوند از آن نهی کرده ترسید؛ «تقوا پیشه کرد» ۳ خروج از اطاعت خداوند به معصیتش؛ «آلوده شدن به گناه» ۴ چیزی که شگفتی دیگران را برمی‌انگیزد؛ «خودپسندی» جمله مذکور تعریف «مُعْجَب: شگفت‌آور» است.
۱۴۷۳. **گزینه ۲** «التجسس، جاسوسی کردن» ترجمه گزینه‌ها ۱ تلاشی ناپسند برای کشف رازهای دیگران. ۲ رسوا کردن مردم با ذکر عیب‌هایشان با سخن پنهانی. (این عبارت تعریف غیبت است) ۳ آن از گناهان بزرگ در دین اسلام و از بدی‌ها است. ۴ خداوند در قرآن مؤمنین را از آن بازداشته است.
۱۴۷۴. **گزینه ۲** «أحب، محبوب‌ترین، دوست داشتنی‌ترین» اسم تفضیل است نه فعل، «أصدق، راست‌گوترین، صادق‌ترین»
۱۴۷۵. **گزینه ۳** ترجمه عبارت «قیمت کالاها بالا رفت پس مردم از حکومت خواستند که آن را پایین بیاورد» بررسی سایر گزینه‌ها ۱ «قیمت مؤنث است ولی «بیزاد» مذکر است. ۲ «لَنْ تُمَرَّرَ» تلخ کننده مناسب نیست. ۳ «مُنْع: منع کند» مناسب نیست. ضمناً فعل «طلبوا» ماضی است؛ پس «بیزاد» و «بیرتفع» که مضارع هستند، نادرست است.
۱۴۷۶. **گزینه ۳** «طغیبة: غیبت» ترجمه گزینه‌ها ۱ از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط بین مردم. ۲ آن از گناهان بزرگ و اخلاق‌های بد می‌باشد. ۳ اتهام زدن کسی به شخص دیگری برای کارزشتی که مرتکب نشده است. (این تعریف تهمت است) ۴ کسی که آن کار را می‌کند مانند کسی است که گوشت برادر مومنش را می‌خورد در حالی که مرده است.
۱۴۷۷. **گزینه ۱** «هدیه داد» چیزی یا هدیه‌ای به کسی داد؛ صحیح است. ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ «هادی: هدایت کننده» صفت برای انسان دارای آرامش «تعریف هادی، آرام» است نه «هادی» ۲ خودپسندی؛ صفتی برای کسی که از دیگران بدش می‌آید. ۳ خوار شد؛ از راه حق متحرف شد. تعریف «ضَلَّ» است نه «ذَلَّ».
۱۴۷۸. **گزینه ۱** «العجب، خودپسندی» ترجمه گزینه‌ها ۱ حالت کسی که شگفتی دیگران را برمی‌انگیزد. (غلط است) ۲ آن است که انسان همواره از کارهای دیگران عیب جویی کند. ۳ حالت کسی که شیفته‌ی کارهای خودش می‌باشد. ۴ آن است که انسان از ویژگی‌های خودش خیلی خوشش بیاید.
۱۴۷۹. **گزینه ۳** «بشیمانی از گناه و عزم برای ترکش» تعریف «توبه» است. ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ عدم حضور در کلاس تعریف «غیاب» است؛ «اغتیاب: غیبت کردن پشت سر کسی». ۲ آنچه که نفس قادر بر تحملش نیست؛ اگرآه داشت (نادرست). ۴ ادامه کار (تعریف مواصلة) است؛ ارتباط.
۱۴۸۰. **گزینه ۱** «پوشاننده» بسیار پوشاننده» جمله مذکور واژه «استار» بسیار پوشاننده» را تعریف می‌کند. ترجمه سایر گزینه‌ها ۲ ناپسند دانستن، اگرآه داشت؛ کار را بدون رغبت انجام داد. ۳ مسخره کرد؛ مردم را برای تحقیر مسخره کرد. ۴ نامید؛ برایش اسم گذاشت (قرار داد).
۱۴۸۱. **گزینه ۲** در این گزینه «ألف: انس و الفت برقرار کرد» است ولی معنای دیگر «تألیف کرد» نمی‌دهد. (خدا تألیف می‌کند؟)
۱۴۸۲. **گزینه ۴** در گزینه (۱) «العلاقات» با «التواصلات» مترادف هستند و در گزینه‌های (۲) و (۳) «غالبه» با «أرخص» و «أحسن» با «أساء» متضاد هستند.
۱۴۸۳. **گزینه ۴** بررسی سایر گزینه‌ها ۱ داناترین، بسیار دانا ۲ بیمارز، طلب بخشش کن. ۳ به من بده، به من داد (فعل ماضی).
۱۴۸۴. **گزینه ۱** در گزینه (۱) «ندکر» ذکر می‌کنیم» متضاد «ننسی» فراموش می‌کنیم» نیست؛ «ننسی» متضاد «تتذکر» به خاطر می‌آوریم» است.
۱۴۸۵. **گزینه ۲** «اهدی: هدایت شده» با «ضَلَّ» همراه شده» متضاد است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب «التفلی» با «الفضلی»، «المتکاسلین» با «المجدین» و «خیر» با «شر» و «الغنی» با «الفقیر» متضاد هستند.
۱۴۸۶. **گزینه ۲** متضاد «ضَلَّ» همراه شده» فعل «اهدی» هدایت شده» و فعل «هدی» هدایت کرده» است.
۱۴۸۷. **گزینه ۱** «ساء» (بد شد) با «حَسَن» (خوب شد) متضاد است نه «حَسَن» (خوب کرد). در سایر گزینه‌ها به ترتیب «اکتم» «استرو» (پوشان)، «عسی» و «لعل» (شاید) و «دار» «بیت» (خانه) مترادفند.
۱۴۸۸. **گزینه ۳** «أزرق» (آبی) بر رنگ دلالت دارد و اسم تفضیل نیست.
۱۴۸۹. **گزینه ۳** رنگ‌ها با این که بر وزن «أفعل» هستند، اسم تفضیل به حساب نمی‌آیند. (أسود، سیاه)
۱۴۹۰. **گزینه ۴** «أقارب» جمع «أقرب» و اسم تفضیل است. در گزینه‌های دیگر «حُکام» (جمع حاکم)، «أساتذة» (جمع استاد) و «علماء» (جمع عالم) هیچ‌یک اسم تفضیل نیستند.
۱۴۹۱. **گزینه ۳** جمع اسم تفضیل (أفعل) بر وزن «أفعل» است؛ بنابراین جمع «أفضل» می‌شود «أفاضل».
۱۴۹۲. **گزینه ۲** «أجره» اسم فاعل است و «آخر» اسم تفضیل. سایر گزینه‌ها بر وزن «أفعل» هستند.
۱۴۹۳. **گزینه ۱** «أكبر» بر وزن «أفعل» (اکابر) جمع بسته می‌شود. حواسمان باشد در گزینه (۳) «أربع» اسم تفضیل نیست؛ زیرا معنای برتری نمی‌دهد. ضمناً جمع وزن «فعلی» به صورت «فعلیات» یعنی جمع مؤنث سالم می‌آید (رد ۴).

۱۴۸۷. **گزینه ۴** «اللحم، گوشت» ترجمه گزینه‌ها ۱ آن را به عنوان غذا همراه نان یا برنج می‌خوریم. ۲ از اعضای بدن انسان و حیوانات است. ۳ مردم آن را برای ناهار یا شام می‌خورند. ۴ آن قبل از پخت یا بعد از آن مناسب خوردن است. (گوشت، قبل از پخت، مناسب خوردن نیست)
۱۴۸۸. **گزینه ۴** ترجمه گزینه‌ها ۱ رابطه میان دو دوست به شکل مستمر؛ ارتباط، ۲ از انجام آنچه خداوند از آن نهی کرده ترسید؛ «تقوا پیشه کرد» ۳ خروج از اطاعت خداوند به معصیتش؛ «آلوده شدن به گناه» ۴ چیزی که شگفتی دیگران را برمی‌انگیزد؛ «خودپسندی» جمله مذکور تعریف «مُعْجَب: شگفت‌آور» است.
۱۴۸۹. **گزینه ۲** «التجسس، جاسوسی کردن» ترجمه گزینه‌ها ۱ تلاشی ناپسند برای کشف رازهای دیگران. ۲ رسوا کردن مردم با ذکر عیب‌هایشان با سخن پنهانی. (این عبارت تعریف غیبت است) ۳ آن از گناهان بزرگ در دین اسلام و از بدی‌ها است. ۴ خداوند در قرآن مؤمنین را از آن بازداشته است.
۱۴۹۰. **گزینه ۲** «أحب، محبوب‌ترین، دوست داشتنی‌ترین» اسم تفضیل است نه فعل، «أصدق، راست‌گوترین، صادق‌ترین»
۱۴۹۱. **گزینه ۳** ترجمه عبارت «قیمت کالاها بالا رفت پس مردم از حکومت خواستند که آن را پایین بیاورد» بررسی سایر گزینه‌ها ۱ «قیمت مؤنث است ولی «بیزاد» مذکر است. ۲ «لَنْ تُمَرَّرَ» تلخ کننده مناسب نیست. ۳ «مُنْع: منع کند» مناسب نیست. ضمناً فعل «طلبوا» ماضی است؛ پس «بیزاد» و «بیرتفع» که مضارع هستند، نادرست است.
۱۴۹۲. **گزینه ۳** «طغیبة: غیبت» ترجمه گزینه‌ها ۱ از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط بین مردم. ۲ آن از گناهان بزرگ و اخلاق‌های بد می‌باشد. ۳ اتهام زدن کسی به شخص دیگری برای کارزشتی که مرتکب نشده است. (این تعریف تهمت است) ۴ کسی که آن کار را می‌کند مانند کسی است که گوشت برادر مومنش را می‌خورد در حالی که مرده است.
۱۴۹۳. **گزینه ۳** «هدیه داد» چیزی یا هدیه‌ای به کسی داد؛ صحیح است. ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ «هادی: هدایت کننده» صفت برای انسان دارای آرامش «تعریف هادی، آرام» است نه «هادی» ۲ خودپسندی؛ صفتی برای کسی که از دیگران بدش می‌آید. ۳ خوار شد؛ از راه حق متحرف شد. تعریف «ضَلَّ» است نه «ذَلَّ».
۱۴۹۴. **گزینه ۱** «العجب، خودپسندی» ترجمه گزینه‌ها ۱ حالت کسی که شگفتی دیگران را برمی‌انگیزد. (غلط است) ۲ آن است که انسان همواره از کارهای دیگران عیب جویی کند. ۳ حالت کسی که شیفته‌ی کارهای خودش می‌باشد. ۴ آن است که انسان از ویژگی‌های خودش خیلی خوشش بیاید.
۱۴۹۵. **گزینه ۳** «بشیمانی از گناه و عزم برای ترکش» تعریف «توبه» است. ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ عدم حضور در کلاس تعریف «غیاب» است؛ «اغتیاب: غیبت کردن پشت سر کسی». ۲ آنچه که نفس قادر بر تحملش نیست؛ اگرآه داشت (نادرست). ۴ ادامه کار (تعریف مواصلة) است؛ ارتباط.
۱۴۹۶. **گزینه ۱** «پوشاننده» بسیار پوشاننده» جمله مذکور واژه «استار» بسیار پوشاننده» را تعریف می‌کند. ترجمه سایر گزینه‌ها ۲ ناپسند دانستن، اگرآه داشت؛ کار را بدون رغبت انجام داد. ۳ مسخره کرد؛ مردم را برای تحقیر مسخره کرد. ۴ نامید؛ برایش اسم گذاشت (قرار داد).
۱۴۹۷. **گزینه ۳** «عیب گرفت» به دوستش آنچه را که دوست ندارد لقب داد (تعریف «تتأثر» است). ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ مخفی آنچه آشکار نیست. ۲ امید است؛ فعلی که بر امید دلالت دارد. ۳ بشتاب؛ به سوی آن بشتاب یا تعجیل کن.
۱۴۹۸. **گزینه ۳** «نیکو گردانید» به اونیکی بخشید، خوبی کرد» و متضاد آن «بد شد» است. متضاد «حَسَن» «ساء» بد شده» نیست. «ساء» فعل لازم و «حَسَن» متعدی است. ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ جنس، جنس کالا یا اشیاء. ۲ تخفیف؛ کم کردن قیمت. ۳ حرام کرد؛ آن را حرام گردانید.
۱۴۹۹. **گزینه ۲** «دراسة: تحقیق، بررسی» (رد ۱ و ۴)، «تَشْتَدُّمُ» به کار گرفته می‌شود؛ مجهول است (رد سایر گزینه‌ها)، «أرخص» ارزان‌تر» اسم تفضیل است (رد ۱ و ۴).
۱۴۷۰. **گزینه ۳** «بد شد» کاربرد را آورد (انجام داد)؛ تعریف «أساء» بدی کرد» است. ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ قیمت، بهای کالا یا ارزش آن ۲ فروشگاه؛ مکان داد و ستد یا فروش اشیاء ۳ کامل گردانید؛ آن را کامل کرد و کامل گردانید.

۱۴۹۵. **گزینه ۱** در گزینه (۱) تمام کلمات اسم تفضیل هستند. «اَکَل، اَکَد، اَفْرَز» فعل هستند. ضمناً «ساور» جمع «سوار» و «اوامر» جمع «امر» اسم تفضیل هستند.
۱۴۹۶. **گزینه ۴** «الخیر، الشَّرُّ» خوب، بد، اسم تفضیل نیستند؛ چون «ال» گرفته‌اند مصدر هستند. در سایر گزینه‌ها به ترتیب اسم‌های تفضیل عبارتند از: «أعظم، أحت، أنشط، خیر»
۱۴۹۷. **گزینه ۱** وقتی «خیر» و «شر» ال بگیرند، به شکل «خوبی» و «بدی» ترجمه می‌شوند و در این حالت اسم تفضیل نیستند، اما هنگام مضاف شدن به شکل تفضیلی «خوب‌تر»، «بدتر» ترجمه می‌شوند.
۱۴۹۸. **گزینه ۱** در این جا «الخیر» همراه «ال» آمده؛ پس مصدر است به معنای «خوبی». ولی در سایر گزینه‌ها همراه مضاف‌الیه آمده و اسم تفضیل و مشتق است به معنای «بهترین».
۱۴۹۹. **گزینه ۴** «خیر» مضاف شده و به معنای «بهترین» است. در سایر گزینه‌ها «خیر» خوبی» معنی می‌دهد، ضمناً در گزینه (۳) «فقیر» خبر است نه مضاف‌الیه. (من به آن چه از خیر بر من نازل کردی فقیر هستم.)
۱۵۰۰. **گزینه ۴** «معرفة» (شناختن) مصدر است نه اسم مکان. در سایر گزینه‌ها «مراقِد (ج مَرَقِد)» آرامگاه‌ها، الملعب: ورزشگاه، المَسِیح: استخر» اسم مکان هستند.
۱۵۰۱. **گزینه ۲** «أحتب» دوست دارم» برون «أفعل» نیست، بلکه فعل مضارع از باب «افعال» می‌باشد. در سایر گزینه‌ها «أفاضل، أنقل، أحت» اسم تفضیل هستند.
۱۵۰۲. **گزینه ۴** برای مقایسه دو اسم چه مذکر چه مؤنث از وزن «أفعل» استفاده می‌کنیم (أصغرین).
۱۵۰۳. **گزینه ۳** هرگاه اسم تفضیل برای مقایسه به کار رود، از وزن «أفعل» استفاده می‌شود، حتی اگر برای مؤنث به کار رفته باشد (أفضلین).
۱۵۰۴. **گزینه ۴** برای مقایسه دو اسم چه مذکر چه مؤنث از وزن «أفعل» استفاده می‌کنیم. عبارت درست «مدرستنا أكبر من هذه المدرسة» است.
۱۵۰۵. **گزینه ۳** «شر» در این گزینه مضاف نشده و به معنای «بدی» است؛ پس اسم تفضیل نیست. در سایر گزینه‌ها کلمه «شر» مضاف شده و به معنای «بدترین» و اسم تفضیل است.
۱۵۰۶. **گزینه ۲** «خیر» به همراه مضاف‌الیه (من) آمده؛ پس اسم تفضیل است (بهترین کسی که)، در سایر گزینه‌ها مضاف نشده و معنی «خوبی» دارد.
۱۵۰۷. **گزینه ۲** کلمه «مغرب» برون «مفعل» است، ولی به معنای زمان غروب خورشید می‌باشد، بنابراین اسم مکان نیست؛ ولی در سایر گزینه‌ها اسم مکان به ترتیب عبارت است از: «مَجتَر، مدارس (مدرسة)، مزارع (مزرعة)، مصانع (مُصنَع)»
۱۵۰۸. **گزینه ۲** بررسی گزینه‌ها ۱ «مصادر» مفردش «مُصدِر» و اسم مکان است. ۲ «المشاکل» مفردش «المُشکِلة» است پس اسم مکان نیست. (اسم فاعل است). «الموانع» مفردش «موانع» برون فاعل است؛ پس اسم مکان نیست. ۳ «المساجد» مفردش «المسجد» و اسم مکان است. ۴ «مخازن» مفردش «مُخزِن» و اسم مکان است.
۱۵۰۹. **گزینه ۲** «مساکن» (جمع مسکن) اسم مکان است. در سایر گزینه‌ها «مقاتل» اسم فاعل، «مفاخر» (جمع «مفخرة»؛ مایه افتخار)، «مصالح» (جمع مصلحة) اسم مکان نیستند؛ چون معنای مکان ندارند.
۱۵۱۰. **گزینه ۳** در گزینه (۳) کلمه «أحسن» فعل ماضی و «أحسین» فعل امر است. غیر از ترجمه می‌توان به ادات شرط «من» که در ابتدای جمله آمده توجه نمود، چون بعد از ادات شرط فقط فعل می‌آید. در سایر گزینه‌ها کلمات «أبلغ، أعظم، الأكبر» اسم تفضیل هستند.
۱۵۱۱. **گزینه ۳** «أنقی، أنجح، أحسن» اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) کلمه «أعلم» فعل مضارع متکلم و حده است. (می‌دانم که...)
۱۵۱۲. **گزینه ۴** «أكرم» فعل، «الرجل» فاعل و «ضیوفا» مفعول است. (مرد در خانه‌اش مهمانانی بر سفره می‌نشاند) را گرامی داشت) در سایر گزینه‌ها «أكثر، أقل» و «أنقی» اسم تفضیل هستند.
۱۵۱۳. **گزینه ۴** «أحت، أكثر، أعلى، أهم» چهار اسم تفضیل در این عبارت هستند.
۱۵۱۴. **گزینه ۳** «الدنیا» (فعلی)، «خیر» (بهتر)، و «أبقى» همگی اسم تفضیل هستند.
۱۵۱۵. **گزینه ۳** ترجمه عبارت: «به مردم نیکی کن همانطور که می‌خواهی به تو نیکی کنند.» با ترجمه به راحتی می‌فهمیم که «أحسین» فعل امر است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب «أكبر، الآخرین، أحسن و أكره» اسم تفضیل هستند.
۱۵۱۶. **گزینه ۲** «المسجد» مؤنث نیست که با «ات» جمع بسته شود.
۱۵۱۷. **گزینه ۲** «أكبر» اسم تفضیل است که مؤنث آن برون «فعلی» (کبری) می‌آید. در سایر گزینه‌ها «أحسی» شمرندند؛ فعل است، «الأكبر» اسم تفضیل نیست و مؤنث آن به صورت «الأكبيرة» می‌آید و «خیر» هم در حالت مذکر و مؤنث به صورت یکسان می‌آید.
۱۵۱۸. **گزینه ۳** ترجمه عبارت: «دوست من کتابی را از کتابخانه‌اش به من هدیه داد». در این گزینه، «أهدی» فعل ماضی برون «أفعل» به کار رفته است. در گزینه‌های (۱) و (۲) «أهدی» هدایت کننده‌تر» و در گزینه (۴) «هدایت کننده‌ترین» ترجمه می‌شود.
۱۵۱۹. **گزینه ۴** در این گزینه «لحسنی» برون «فعلی» اسم تفضیل مؤنث است. وزن «الفعلی» قطعاً اسم تفضیل است. در گزینه (۱) «أكرم» گرامی داشت» و در گزینه (۲) «أعلم» می‌دانم» به ترتیب فعل ماضی و مضارع هستند و در گزینه (۳) نیز اسم تفضیل نیامده است.
۱۵۲۰. **گزینه ۲** صورت صحیح سایر گزینه‌ها ۱ «خبر» مجرور به حرف جرّ «من أهم» یا هم خبر است ۲ بعد از اسم اشاره مضاف الیه نمی‌آید «المطبخ» مشار الیه یا مبتدا است؛ ۳ مؤنث «مذکر
۱۵۲۱. **گزینه ۲** بررسی سایر گزینه‌ها ۱ اسم مکان از فعل‌های ثلاثی مجرد ساخته می‌شود، پس اسم مکان «عکتاب» از فعل ماضی «کتاب» ساخته می‌شود. ۲ اسم مکان از فعل «مر» و «ممر» است. «ممر» تلخ کرد» ثلاثی مزید است. ۳ اسم مکان صحیح از فعل «تجر» و «تجر» است.
۱۵۲۲. **گزینه ۲** در این گزینه «مکتبة» کتابخانه» و «مکاتب» کتابخانه‌ها» اسم مکان و «أكابر» بزرگترها» اسم تفضیل است. در گزینه (۱) «المتاجر» مغازه‌ها» اسم مکان، در گزینه (۳) «أرخص» ارزان‌تر» و «أعلى» بالاتر» اسم تفضیل و در گزینه (۴) «المطابخ» آشپزخانه» و «الأماكن» مکان‌ها» اسم مکان هستند، کلمه «أبيض» سفید» رنگ است و رنگ‌ها اسم تفضیل نیستند.
۱۵۲۳. **گزینه ۱** «أراذل» برون «أفعل» جمع اسم تفضیل «أرذل» است. دقت کنید «أحتب» دوست دارم، ما ارضی، راضی نکرد. «أسخط» خشمگین کرد» همگی فعل‌های باب «افعال» هستند و هیچ کدام اسم تفضیل نیستند.
۱۵۲۴. **گزینه ۴** بررسی گزینه‌ها ۱ «أحسن» آیا خوبی...» اسم تفضیل نیست. ۲ «أفاضل، آیا با فضیلت است؟» «أحسین» و «أنجح» فعل هستند «کارهایم را خوب انجام می‌دهم تا موفق شوم» «أغلی» اسم تفضیل است.
۱۵۲۵. **گزینه ۳** بررسی گزینه‌ها ۱ «أسعی» اسم تفضیل است. ترجمه: «کوشش‌ترین جوانان». ما را از نتیجه تلاش باخبر کرد». ۲ «أحسن» اسم تفضیل است. ترجمه: «قطعاً هم کلاسی‌ام حسن، بهترین برادرانش در خانواده است». ۳ «أهدی» اسم تفضیل نیست (فعل ماضی «افعال» است). ترجمه: «برادرم عیب‌هایم را به من اهدا کرد، بعد از این که خودش را اصلاح کرد». ۴ «أطول» و «أحت» اسم تفضیل هستند. ترجمه: «طولانی‌ترین غارهای آبی را با محبوب‌ترین دوستانم زیارت کردم».
۱۵۲۶. **گزینه ۳** «مؤمن گرامی‌ترین شما نزد خداوند است» پس «أكرم» اسم تفضیل است. در سایر گزینه‌ها بعد از «أكرم» اسم با حرکت فتحه آمده (من) پس آن اسم، مفعول است نه مضاف‌الیه؛ پس «أكرم» فعل است نه اسم تفضیل.
۱۵۲۷. **گزینه ۳** «المحمل» مفعول برای «صنَع» است. در سایر گزینه‌ها «المُصنَع»، منزل»، «مکتبة» همگی مضاف‌الیه هستند.
۱۵۲۸. **گزینه ۱** «خیر» به همراه مضاف‌الیه (ما) آمده؛ پس اسم تفضیل است (بهترین چیزی که)، در سایر گزینه‌ها «أكمل» فعل امر است (تکالیف را کامل کن)، «أسوده» (سیاه) معنای تفضیلی ندارد، «شر» (بد) هم بدون مضاف‌الیه و حرف جرّ «من» آمده است.
۱۵۲۹. **گزینه ۴** سؤال می‌گوید گزینه‌ای را که در آن مقایسه یافت نمی‌شود، بیابیم؛ یعنی اسم تفضیل نداشته باشد. در گزینه (۴) کلمه‌های «خیر» و «شر» در معنای اسم تفضیل نبوده و در آن مقایسه‌ای نیست. ترجمه: «هرگاه بدی مرد بر خوبی‌اش غلبه کند، شیطان چشمانش را می‌بوسد». بررسی سایر گزینه‌ها ۱ «أعلم» در این جا اسم تفضیل می‌باشد. ترجمه: «من به خودم دانانترم». ۲ «أبدل» در این جا اسم تفضیل و به معنی «بخشنده‌تر» می‌باشد. ۳ «أحسن» در این جا اسم تفضیل و به معنی «بهترین» می‌باشد.
۱۵۳۰. **گزینه ۴** «أحسن» مفعول است. اسم تفضیل در بقیه گزینه‌ها خبر می‌باشد. در گزینه (۱) «أرحم»، در گزینه (۲) «خیر و أئمن» و در گزینه (۳) «أفضل» خبر هستند.

۱۴۹۵. **گزینه ۱** در گزینه (۱) تمام کلمات اسم تفضیل هستند. «اَکَل، اَکَد، اَفْرَز» فعل هستند. ضمناً «ساور» جمع «سوار» و «اوامر» جمع «امر» اسم تفضیل هستند.
۱۴۹۶. **گزینه ۴** «الخیر، الشَّرُّ» خوب، بد، اسم تفضیل نیستند؛ چون «ال» گرفته‌اند مصدر هستند. در سایر گزینه‌ها به ترتیب اسم‌های تفضیل عبارتند از: «أعظم، أحت، أنشط، خیر»
۱۴۹۷. **گزینه ۱** وقتی «خیر» و «شر» ال بگیرند، به شکل «خوبی» و «بدی» ترجمه می‌شوند و در این حالت اسم تفضیل نیستند، اما هنگام مضاف شدن به شکل تفضیلی «خوب‌تر»، «بدتر» ترجمه می‌شوند.
۱۴۹۸. **گزینه ۱** در این جا «الخیر» همراه «ال» آمده؛ پس مصدر است به معنای «خوبی». ولی در سایر گزینه‌ها همراه مضاف‌الیه آمده و اسم تفضیل و مشتق است به معنای «بهترین».
۱۴۹۹. **گزینه ۴** «خیر» مضاف شده و به معنای «بهترین» است. در سایر گزینه‌ها «خیر» خوبی» معنی می‌دهد، ضمناً در گزینه (۳) «فقیر» خبر است نه مضاف‌الیه. (من به آن چه از خیر بر من نازل کردی فقیر هستم.)
۱۵۰۰. **گزینه ۴** «معرفة» (شناختن) مصدر است نه اسم مکان. در سایر گزینه‌ها «مراقِد (ج مَرَقِد)» آرامگاه‌ها، الملعب: ورزشگاه، المَسِیح: استخر» اسم مکان هستند.
۱۵۰۱. **گزینه ۲** «أحتب» دوست دارم» برون «أفعل» نیست، بلکه فعل مضارع از باب «افعال» می‌باشد. در سایر گزینه‌ها «أفاضل، أنقل، أحت» اسم تفضیل هستند.
۱۵۰۲. **گزینه ۴** برای مقایسه دو اسم چه مذکر چه مؤنث از وزن «أفعل» استفاده می‌کنیم (أصغرین).
۱۵۰۳. **گزینه ۳** هرگاه اسم تفضیل برای مقایسه به کار رود، از وزن «أفعل» استفاده می‌شود، حتی اگر برای مؤنث به کار رفته باشد (أفضلین).
۱۵۰۴. **گزینه ۴** برای مقایسه دو اسم چه مذکر چه مؤنث از وزن «أفعل» استفاده می‌کنیم. عبارت درست «مدرستنا أكبر من هذه المدرسة» است.
۱۵۰۵. **گزینه ۳** «شر» در این گزینه مضاف نشده و به معنای «بدی» است؛ پس اسم تفضیل نیست. در سایر گزینه‌ها کلمه «شر» مضاف شده و به معنای «بدترین» و اسم تفضیل است.
۱۵۰۶. **گزینه ۲** «خیر» به همراه مضاف‌الیه (من) آمده؛ پس اسم تفضیل است (بهترین کسی که)، در سایر گزینه‌ها مضاف نشده و معنی «خوبی» دارد.
۱۵۰۷. **گزینه ۲** کلمه «مغرب» برون «مفعل» است، ولی به معنای زمان غروب خورشید می‌باشد، بنابراین اسم مکان نیست؛ ولی در سایر گزینه‌ها اسم مکان به ترتیب عبارت است از: «مَجتَر، مدارس (مدرسة)، مزارع (مزرعة)، مصانع (مُصنَع)»
۱۵۰۸. **گزینه ۲** بررسی گزینه‌ها ۱ «مصادر» مفردش «مُصدِر» و اسم مکان است. ۲ «المشاکل» مفردش «المُشکِلة» است پس اسم مکان نیست. (اسم فاعل است). «الموانع» مفردش «موانع» برون فاعل است؛ پس اسم مکان نیست. ۳ «المساجد» مفردش «المسجد» و اسم مکان است. ۴ «مخازن» مفردش «مُخزِن» و اسم مکان است.
۱۵۰۹. **گزینه ۲** «مساکن» (جمع مسکن) اسم مکان است. در سایر گزینه‌ها «مقاتل» اسم فاعل، «مفاخر» (جمع «مفخرة»؛ مایه افتخار)، «مصالح» (جمع مصلحة) اسم مکان نیستند؛ چون معنای مکان ندارند.
۱۵۱۰. **گزینه ۳** در گزینه (۳) کلمه «أحسن» فعل ماضی و «أحسین» فعل امر است. غیر از ترجمه می‌توان به ادات شرط «من» که در ابتدای جمله آمده توجه نمود، چون بعد از ادات شرط فقط فعل می‌آید. در سایر گزینه‌ها کلمات «أبلغ، أعظم، الأكبر» اسم تفضیل هستند.
۱۵۱۱. **گزینه ۳** «أنقی، أنجح، أحسن» اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) کلمه «أعلم» فعل مضارع متکلم و حده است. (می‌دانم که...)
۱۵۱۲. **گزینه ۴** «أكرم» فعل، «الرجل» فاعل و «ضیوفا» مفعول است. (مرد در خانه‌اش مهمانانی بر سفره می‌نشاند) را گرامی داشت) در سایر گزینه‌ها «أكثر، أقل» و «أنقی» اسم تفضیل هستند.
۱۵۱۳. **گزینه ۴** «أحت، أكثر، أعلى، أهم» چهار اسم تفضیل در این عبارت هستند.
۱۵۱۴. **گزینه ۳** «الدنیا» (فعلی)، «خیر» (بهتر)، و «أبقى» همگی اسم تفضیل هستند.
۱۵۱۵. **گزینه ۳** ترجمه عبارت: «به مردم نیکی کن همانطور که می‌خواهی به تو نیکی کنند.» با ترجمه به راحتی می‌فهمیم که «أحسین» فعل امر است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب «أكبر، الآخرین، أحسن و أكره» اسم تفضیل هستند.

۱۵۲۶. **گزینه ۲** «المکارم» (خصوصیت‌های اخلاقی پسندیده) و «المحامد» (ستایش‌ها) اسم مکان نیستند؛ در سایر گزینه‌ها به ترتیب «معابر» (مناظر و موعده) و «معدن» (اسم مکان) اند.
۱۵۲۷. **گزینه ۳** «المعارک» (جمع المعركة)، «مأسن» (مغرب)، «مقتل» اسم مکان اند. حواستان باشد چون «بیت» وزن‌های اسم مکان را ندارد، اسم مکان نیست.
۱۵۲۸. **گزینه ۴** «المُحَقِّق» اسم فاعل و «المکتب» اسم مکان است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب «المتکاسل» (اسم فاعل)، «مُقلِّع» (غذا دهنده)، «اسم فاعل»، «مبتسماً» (اسم فاعل) و «المطار» (فرودگاه)، اسم مکان است.
۱۵۲۹. **گزینه ۴** «مُقَرَّر» اقرارکننده، اسم فاعل است. در سایر گزینه‌ها «المطاعم» (جمع المطعم)، «المدرسة» (محل) اسم مکان هستند.

نسوزی: گاهی اوقات اگر یک کلمه اعراب نداشته باشد، می‌تواند به صورت‌های مختلفی خوانده شود. مثلاً «مقر» را می‌توان به صورت «مقر» (قرارگاه) و «مقر» (اقرارکننده) خواند. تشخیص این موضوع از راه ترجمه و قرینه‌های جمله ممکن است.

۱۵۵۰. **گزینه ۴** بررسی گزینه‌ها ۱ زمان شروع نوشتن نامه‌ام، دو ماه قبل بود. ۲ زمان وعده ما هنگام طلوع خورشید است ای برادرم. ۳ دوستم به خاطر صداقتش، همیشه آشکارکننده حق است. (مُظهِر، اسم فاعل) ۴ «المُغْتَسِل» (بروزن) «مُفَعَّل» و اسم مکان است. (جای شستن)
۱۵۵۱. **گزینه ۲** شدیدترین صفت در شخص همان اسم تفضیل است (أعلم) (داناترین)، در گزینه (۴) «أعلم» فعل است. (راز در راه‌های ... می‌شناسم)
۱۵۵۲. **گزینه ۴** بررسی گزینه‌ها ۱ «أقرب» (اسم تفضیل)، «المادحین» (اسم فاعل)، «الأکریم» (اسم تفضیل)، «المحامد» (جمع المحمّدة: ستایش) اسم مکان نیست. ۲ «مؤمنة» (اسم فاعل)، «محافل» (جمع محفل)، و «التجار» (جمع التاجر) ۳ «المُسْلِم» (اسم فاعل)، «الباطل» (اسم فاعل) ۴ «المظلومون» (اسم مفعول)، «الکفار» (جمع الکافر: اسم فاعل)، «المسجد» (اسم مکان)، «الأقصى» (اسم تفضیل) ۱۵۵۳. **گزینه ۴** «مرمی» دروازه اسم مکان است. (بروزن «مفعی»)، در گزینه (۲) «مُنزل» اسم فاعل است. (خدایا، تو نازل کننده کتاب هستی)
۱۵۵۴. **گزینه ۱** «حارس» (اسم فاعل) - «المرمی» (اسم مکان) - «الخُدّام» (الخادم) - «اللاعین» (خبرکرة القدم: خوبی فوتبال)، دقت کنید که «أحسن» فعل امر از باب «افعال» است.

۱۵۵۵. **گزینه ۱** «منازل» فاعل «ازدادت» (زیاد شد) است و در سایر گزینه‌ها «الملعب» (مکتب)، «متجر» (مفعول) هستند.
۱۵۵۶. **گزینه ۴** «الذی» مبتدا و «أشد» خبر است. در سایر گزینه‌ها «لأجود» جار و مجرور است (مجموعاً خبر است نه فقط «أجود»)، «أشهر» (ج شهر: ماه) خبر است چون از «هذه» استفاده شده می‌فهمیم جمع غیر انسان است نه «أشهر» (مشهورترین) «أکرّم» نیز مبتدا می‌باشد «أقبل» فعل ماضی است)
۱۵۵۷. **گزینه ۴** «المفسدة» مایه تباهی و «المزحمة» مهربانی، بیانگر مکان نیستند. در سایر گزینه‌ها «درمانگاه» (موزه)، «مرداب» (آزمایشگاه)، «کجاوه» و «فرودگاه» بیانگر مکان هستند.
۱۵۵۸. **گزینه ۱** منظور از «الأولویة» برتری، همان اسم تفضیل است. «أشهر» (مشهورترین) اسم تفضیل است. بررسی سایر گزینه‌ها ۲ «أکرّم» فعل امر است. ۳ «أواخر» جمع «آخر» و اسم فاعل است. ۴ «اکمل» مضارع متکلم وحده است. (کامل می‌شوم) «کبری» (بزرگ سالی ام)
۱۵۵۹. **گزینه ۳** «خوبی مؤمنان پرهیزگار» همان انفاق پنهانی است. پس «خیر» مصدر است. در سایر گزینه‌ها «أمن» (آکار) جمع اکبر و «أجمل» اسم تفضیل هستند.

نسوزی: «ما أفعل» یعنی «چه ... است»، بیانگر ساختار تعجب است و «أفعل» فعل می‌باشد. ولی «ما أفعل» یعنی «آن چه ... تراست» می‌باشد. پس «أفعل» اسم تفضیل است.

مثال: «ما أكثر» چه زیاد است، «ما أكثر» آن چه بیشتر است.

۱۵۲۱. **گزینه ۲** «أحت من» به صورت «محبوب‌تر از» (صفت تفضیلی) ترجمه می‌شود. ولی در سایر گزینه‌ها «أشجع الشباب» (أجمل الورد، أفضل معلّمی) اسم تفضیل به صورت صفت عالی (ترین) ترجمه می‌شود. چون مضاف شده‌اند.
۱۵۲۲. **گزینه ۲** اسم تفضیل در عبارت «گزینه ۲» به صورت صفت برتر (فهم‌تر) ترجمه می‌شود چون تنها آمده و مضاف نشده اما در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل معنای صفت عالی (برترین) دارد. چون مضاف شده است و در ضمن «أحسن» در این گزینه فعل است نه اسم تفضیل.
۱۵۲۳. **گزینه ۳** «أکرّم» در گزینه (۳) فعل امر است. (گرامی بدار مردم را) اسم تفضیل در سایر گزینه‌ها: به ترتیب «الأقصى»، «أحل»، «الوَسْطی»
۱۵۲۴. **گزینه ۳** «أحب» و «الأخرین» در گزینه (۳) اسم تفضیل هستند. بنابراین این گزینه دو اسم تفضیل دارد. در گزینه (۱) «الأخرین» در گزینه (۲) «أهم» و در گزینه (۴) «خیر» «أثقل» و «أكثر» اسم تفضیل هستند.

۱۵۲۵. **گزینه ۲** وقتی دو اسم (چه مذکر و چه مؤنث) را با هم مقایسه می‌کنیم، از اسم تفضیل به شکل مفرد مذکر و بروزن «أفعل» استفاده می‌کنیم. بنابراین «أفضل» صحیح است.
۱۵۲۶. **گزینه ۱** در گزینه (۱) «أعجب» اسم تفضیل و مجرور به حرف جر است. دقت کنید که «من أعجب» خبر از نوع جار و مجرور (شبه جمله) است.
- بررسی سایر گزینه‌ها ۲ «أرخص» اسم تفضیل و خبر است و «الملايس» مبتدا می‌باشد. ۳ «خیر» اسم تفضیل و خبر واقع شده است و «الأحمر» نیز مبتدا می‌باشد. ۴ «أصعب» اسم تفضیل و خبر است.
۱۵۲۷. **گزینه ۲** «أرضی» اسم تفضیل است. «راضی‌ترین مردم از کارهای خویش» همان دانشمندان و معلمان هستند. در سایر گزینه‌ها «الأحمق» (نادان) بیانگر عیب است و «الأخضر» سبز، رنگ است پس معنای تفضیلی ندارند. دقت کنید «أحدث» ایجاد کرده فعل است و «ما أجمل» چه زیباست اسم تفضیل نیست (أجمل فعل می‌باشد).
۱۵۲۸. **گزینه ۱** «أحمر» قرمز، رنگ است و به صورت اسم تفضیل (تر - ترین) استفاده نمی‌شود زیرا رنگ‌ها اسم تفضیل نیستند.
۱۵۲۹. **گزینه ۲** در این گزینه «آخر» آخرین است و به معنای دیگر نیست. ترجمه: «این آخرین اختراع جدیدی است که دانشمندان به تازگی آن را کشف کرده‌اند»

نسوزی: اگر «آخر» قبل اسم بیاید، حتماً اسم فاعل است و اگر بعد اسم بیاید می‌تواند اسم تفضیل یا اسم فاعل باشد.

مثال: آخر الكتاب / الكتاب الآخر

۱۵۴۰. **گزینه ۱** «سؤالی سخت‌تر از» (سؤالاً أصعب) موصوف و صفت است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب «أحسن» (أكثر، أرخص) اسم تفضیل و خبر هستند. ۱۵۴۱. **گزینه ۴** «أصفر» (زرد) بیانگر برتری (اسم تفضیل) نیست. در سایر گزینه‌ها «أهم»، «أجل» (الأولی) اسم تفضیل هستند. (بر برتری دلالت دارند).
۱۵۴۲. **گزینه ۲** «أثرب» و «أكثر» فعل امر هستند، (ترک کن - زیاد کن) در سایر گزینه‌ها «أفضل» (الدنيا، أعز) اسم تفضیل هستند.
۱۵۴۳. **گزینه ۴** بررسی گزینه‌ها ۱ «خیر أصدقاکم» بهترین دوستان شما اسم تفضیل ۲ «خیر» فعل ماضی از باب «تفعیل» است و اصلاً «خیر» نیست. ۳ «خیرکم» بهترین شما اسم تفضیل ۴ «خیر الدنیا» خوبی دنیا (مصدر)
۱۵۴۴. **گزینه ۱** صورت سؤال اسم تفضیلی را می‌خواهد که به معنی صفت عالی (ترین) در فارسی است. «أکرّم» در گزینه (۱) به معنای «گرامی‌ترین» به کار رفته است؛ «گرامی‌ترین دوستانم» کسی است که در فلنش دیگران را دوست دارد. «أحسن» در گزینه (۲) و «أفضل» در گزینه (۴) «صفت برتر» و «شتر» در گزینه (۳) به معنای «بدی» است. (بدی دشمنان غاصیمان)

۱۵۴۵. **گزینه ۲** «شتر» در این گزینه به معنی «بدی» است. اما در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل است و معنی «بدتر یا بدترین» می‌دهد. ترجمه گزینه‌ها ۱ از تعلیمات دینی و اخلاقی یاد گرفته‌ایم که انتقام بدتر از بخشش است! ۲ خدایا از بدی زانم به تو پناه می‌برم، چه آن وسیله‌ای برای به دست آوردن عذاب است! ۳ همانا بدترین مردم نزد خداوند کسانی‌اند که در آیات او اندیشه نمی‌کنند! ۴ از بدترین بندگان خدا کسی است که هم‌نشینی با او به خاطر گفتار و کردار زشتش ناپسند شمرده می‌شود!

۱۵۷۵. **گزینه ۴** «من تعلّم» هرکس فرا بگیرد (رد سایر گزینه‌ها)، «لغة قوم: زبان قومی را» (رد ۲)، «جیداً، خوب، به خوبی»، «أمن شرّهم: از گزند آن‌ها در امان است» (رد ۳)، «الإنسان بتعلّم کلّ لسان: انسان با فرا گرفتن هر زبانی» (رد ۱ و ۲)، «إنسان جدید: یک انسان جدید است»

۱۵۷۶. **گزینه ۲** «إن» چون قبل از اسم آمده؛ پس اذات شرط نیست (رد ۳)، «سُصبح: خواهد شد» آینده است (رد ۱ و ۴)، «الإنسان الذی: انسانی که» (رد ۳ و ۴)، «می‌دهد» (رد ۲ و ۳)، «می‌دهد (هر چه) می‌دهد (رد ۲ و ۳)، «یعطی: می‌دهد» معلوم است نه مجهول (رد ۴).

۱۵۷۷. **گزینه ۱** «ما» شرطیه معنی (هر چه) می‌دهد (رد ۲ و ۳)، «یعطی: می‌دهد» معلوم است نه مجهول (رد ۴).

۱۵۷۸. **گزینه ۳** «لا یدلّ» دلالت نمی‌کند «فعل مضارع است نه اسم (رد ۱ و ۴)، «إنّما: فقط، تنها» (رد ۲).

۱۵۷۹. **گزینه ۴** «قبل أن یعزم» در گزینه (۱) ترجمه نشده است، «من: هرکس» (رد ۲ و ۳)، «فعل قد انتفع: سود برده است» ماضی نقلی است (رد ۲ و ۳)، «العقلاء: دانایان» معرفه است نه نکره (رد ۲).

۱۵۸۰. **گزینه ۴** «من: هرکس» هر که «شرط است (رد ۱ و ۳)، «صدیقه الحمیم: دوست صمیمی اش»، «مستشاره الحکیم: مشاور خردمند خویش» ترکیب وصفی و اضافی هستند، (رد ۲) «فلیجعلی: باید قرار دهد»، «قرار می‌دهد» اشتباه است (رد ۱ و ۳)، «کسر در انتهای فعل مضارع به ما می‌گوید که حرکت ساکن داشته‌ایم»

۱۵۸۱. **گزینه ۲** «من: هرکس» شرط است (رد ۱ و ۳)، «مستقبله: آینده‌اش» همراه ضمیر است (رد ۱)، «در گزینه (۴) «حال آن که» معادل «الذی» که نیست»

۱۵۸۲. **گزینه ۳** «إن: اگر، چنانچه» (رد ۲)، «تُرَد: خواهی» فعل مضارع است (رد ۱ و ۲)، «قلوب الشباب: دل‌های جوانان» (رد سایر گزینه‌ها)، همچنین «بیش خود» نیز نادرست است (رد ۴).

۱۵۸۳. **گزینه ۱** «إن: اگر» معنای قیدهای زمان نمی‌دهد (رد ۲ و ۴)، «لا تعلّم» مضارع است (رد ۳)، «سمعت: شنیدی» (رد ۳ و ۴).

۱۵۸۴. **گزینه ۱** «كان... بهمس: آهسته سخن می‌گفت» (رد ۲ و ۴)، «در گزینه (۳) «من الصف: ترجمه نشده، کاذب: نزدیک بود (رد ۲ و ۴)»

۱۵۸۵. **گزینه ۲** در گزینه (۱) «بها» ترجمه نشده «من (شرط): هرکس» (رد ۳)، «یخصل: معلوم است ولی مجهول ترجمه شده (رد ۴)»

۱۵۸۶. **گزینه ۴** «بتکلم» فعل شرط است و باید مضارع التزامی ترجمه شود (رد ۱ و ۲)، «حینما: زمانی که» (رد ۱)، «لا نهمس: آهسته حرف می‌زن» (رد ۲)، «به خاطر تو» در گزینه (۳) اضافی است، «عملاً» در گزینه (۱) ترجمه نشده.

۱۵۸۷. **گزینه ۱** «عدد کثیر من العلماء: تعداد زیادی از علماء» (رد ۲ و ۳)، «التربية و التعليم: صفت نیست (رد ۳)، «در گزینه (۴) «بسیار» اضافه است. همچنین «کتباً» باید در این گزینه نکره و جمع ترجمه می‌شود.

نسوزی: «مجالالت التریبة و التعليم: زمینه‌های آموزش و پرورش» توجه کنیم که در زبان عربی برخلاف زبان فارسی، واژه «تربیه» پیش از تعلیم می‌آید.

سؤال: «دائرة التریبة و التعليم: اداره آموزش و پرورش»

۱۵۸۸. **گزینه ۲** «ابتعد» فعل لازم است نه متعدی (دور شد، دوری کرد)، ولی در سایر گزینه‌ها به صورت متعدی (دور کردی، دور می‌کنی) ترجمه شده.

۱۵۸۹. **گزینه ۳** «الناس» مفعول است نه فاعل (رد ۱)، «رأیت» فعل شرط است و مضارع التزامی ترجمه می‌شود (رد ۲ و ۴)، «دین الله: دین خدا» ترکیب اضافی است نه وصفی (رد ۲ و ۴).

۱۵۹۰. **گزینه ۱** «من: شرطی است (هر کس)» (رد ۲ و ۴)، «شز الحسد: شز حسد، حسادت» (رد ۳ و ۴)، «یُنقذ: فعل معلوم است ولی در گزینه (۲) به صورت مجهول ترجمه شده است»، «التصائح الأخلاقیة: در گزینه (۳) نکره ترجمه شده و «منه» ترجمه نشده است. در گزینه (۴) «یتخلّص: به صورت متعدی معنا شده و نیز «حسودها» غلط است»

۱۵۹۱. **گزینه ۳** «یتنفع» و «ینفع» مضارع هستند نه ماضی (رد ۱)، «مدیرة شرکتنا الکبیرة: مدیر شرکت بزرگ ما» (رد ۲ و ۴).

۱۵۹۲. **گزینه ۳** «نوع: نوعی» در گزینه (۱) ترجمه نشده است، «من هو أكبر متک: کسی که از تو بزرگ‌تر است» (رد ۲)، «علیک: تو باید، بر تو است» (رد ۴).

۱۵۶۰. **گزینه ۴** «أحسن» اسم تفضیل است. «بهترین مردان نزد خداوند کسی است که نماز را ترک نمی‌کند»، «اکرم» (گرامی داشتند... هفته گذشته) و «اکثر» (زیاده‌روی کردند)، «الطلاب» فاعل است و مرفوع (سُ آمده) در گزینه‌های (۱) و (۲) فعل هستند و در گزینه (۳) هم «خیر» به همراه مرفوع آمده (خوبی پروردگار ما).

۱۵۶۱. **گزینه ۳** «أقلّ» فعل ماضی از باب «افعال» است (مرد در کار کوتاهی کرد)، ولی در سایر گزینه‌ها «أخلص»، «شر»، «اکرم» و «أعلم» همگی اسم تفضیل هستند.

۱۵۶۲. **گزینه ۴** «المجالس: هم‌نشین» اسم فاعل و مذكر است، «از الحسن» که صفت و مذكر است می‌توان فهمید بررسی سایر گزینه‌ها ۱ «المشاهد: جمع «مشهد» به معنی صحنه است. (از مؤنث بودن کلمات «القی» و «مخوفة» می‌فهمیم که جمع غیر عاقل است)، ۲ دوستم خارج‌کننده کتاب از آنجا بود، (مُخرج: اسم فاعل) ۳ «ملابس: جمع «ملبس» به معنای لباس»، معنای مکان ندارد (المعامل: المعامل کارگاه‌ها)

۱۵۶۳. **گزینه ۴** بررسی گزینه‌ها ۱ بدی مردم معمولاً به خودشان می‌رسد، «شر» مصدر است، ۲ «المناطق: جمع «منطقة» است و اسم مکان نیست، ۳ «اماکن: جمع «مکان» اسم مکان و «آخر» (پایان) اسم فاعل و اسم تفضیل نیستند، ۴ بدی این شهر شلوغی است. «شر» مصدر و به معنای «بدی» است.

۱۵۶۴. **گزینه ۱** در گزینه (۱) «خبر آبی: خوبی پدرم»، «خیر» مصدر است، «أنفس: گران‌بهاترین» اسم تفضیل است. در گزینه (۲) «صغری» (کودکی ام) و در گزینه (۳) «کبری» (میان‌سالی ام) است؛ زیرا بعدشان ضمیر مذكر (ه) آمده نه مؤنث (ها)، در گزینه (۴) هم «فطلی» (برتری من) اسم تفضیل نیستند، چون بعدش صفت به صورت مذكر آمده نه مؤنث

۱۵۶۵. **گزینه ۳** «حُدّام» جمع «خادم» است. بررسی سایر گزینه‌ها ۱ «المحافظ: اسم مکان و جمع «محافظة» است، چون «القی» بیانگر جمع غیر عاقل بودن آن است، ولی «المحافظ» مذكر است. ۲ اسم مبالغه است. (زوّار) چون ضمیر «ه» برای آن مرفوع آمده. (زوّار جمع است). ۳ «المقاتل جمع «مقتل» و «اسم مکان» است، چون فعل «تحکی» مرفوع مؤنث آمده پس کلمه مورد نظر جمع غیر انسان است. «المقاتل» است نه «المقاتل»

درس دوم

پایه یازدهم

۱۵۶۶. **گزینه ۴** در سایر گزینه‌ها «من» شرطیه نباید به صورت «کسی که، کسانی که، آن کسی که، اگر و...» ترجمه شود، همچنین «امور» جمع است (رد ۱ و ۳).

۱۵۶۷. **گزینه ۴** اگر فعل شرط ماضی باشد یا به صورت ماضی ساده ترجمه می‌شود یا مضارع التزامی (رد ۲ و ۳)، کلمه «قلب» در سایر گزینه‌ها ترجمه نشده است. ضمناً «ظواهر» جمع است ولی در گزینه‌های (۱) و (۲) به صورت مرفوع ترجمه شده است. دقت کنید که «من» در این عبارت از نوع شرط است، لذا بهتر بود به صورت «هر کس» ترجمه شود.

۱۵۶۸. **گزینه ۱** «إن: اگر» (رد ۲ و ۴)، «تقصّد» مضارع است (رد سایر گزینه‌ها)، «التفایات: زبانه‌ها» معرفه است (رد ۴)، «یُعَلِّم: بدان» (رد ۳ و ۴) در گزینه (۲)، «این» اضافی است.

۱۵۶۹. **گزینه ۳** «سوف ینتیه: آگاه خواهد شد» (رد ۱ و ۴)، «زمیلک المشاغب: هم‌کلاسی اخلاک‌گرت»

۱۵۷۰. **گزینه ۲** «خلق الله: آفرینش خدا» ترکیب اضافی است نه وصفی همچنین مرفوع است نه جمع (رد ۱ و ۳)، «إذ: اگر، هرگاه» (رد ۳)، «سشاهد: خواهی دید» آینده است (رد ۲ و ۴).

۱۵۷۱. **گزینه ۳** «إن: اگر، چنانچه» (رد ۲ و ۴)، «للناس: برای مردم» (رد سایر گزینه‌ها)، «أن تنصح: که نصیحت کنی» (رد سایر گزینه‌ها).

۱۵۷۲. **گزینه ۲** «بسهولة: به آسانی» (رد سایر گزینه‌ها) «إن: اگر، نباید» هرگاه» ترجمه شود (رد ۱ و ۳)، «لنا: برای ما» ترجمه نشده است (رد ۱ و ۴).

۱۵۷۳. **گزینه ۱** «فیما لا تعلّم: درباره آنچه نمی‌دانی» (ما شرطیه نیست پس معنی «هر چه» نمی‌دهد) (رد ۲ و ۴)، «وإن: اگرچه» (رد ۳ و ۴)، «كانوا أصغر متک: از تو کوچک‌تر باشند» (رد ۲ و ۴)، «بین: میان» (رد ۲)، «لا تمیّز: جدا نمی‌کند» (رد ۲ و ۳).

۱۵۷۴. **گزینه ۳** «یصعد: صعود می‌کند» در گزینه (۱) به شکل آینده ترجمه شده است، «إن: اگر، چنانچه» به معنای «هرگاه» نیست (رد ۲)، «یتسجیل: با ثبت، یا زدن» مصدر است نه فعل (رد ۴).